



## فهرست مطالب

- چند درس مهم از اعتراضات مردمی اخیر..... ۲
- نگرانی آمریکا از «نقض حقوق زن» در ایران و اشکک تمساح برای مردم ایران؟!..... ۳
- «پتروشیمی مهر» به علت فسادهای گسترده در آستانه ورشکستگی قرار گرفت..... ۴
- زنان ایران موجهی نیستند که آرام گیرند..... ۵
- چرا ادیان ابراهیمی؛ یهودیت، مسیحیت و اسلام زن ستیز هستند؟..... ۶
- اوباشان مامورین گشت ارشاد جنایت آفرینند..... ۷
- پیام های همدردی چند انجمن و اتحادیه صنفی کارگری با جنبش اعتراضات مردم..... ۸
- در جبهه نبرد طبقاتی..... ۱۰
- سخنی درباره افزایش اعدام و «مبارزه باگسترش جرائم مرتبط با مواد مخدر..... ۱۴
- مرگ «ملکه الیزابت» و واکنش های متفاوت در جهان..... ۱۵
- جانباختن «مهسا امینی» و بازنگری دوباره به مسئله حجاب انحلال فوری «گشت ارشاد»..... ۱۶
- چرا اکثریت مردم شیلی به قانون اساسی جدید نه گفتند؟..... ۱۷
- درس هایی از تحولات سیاسی در شیلی و سایر کشورهای آمریکای لاتین..... ۱۸
- در اثر حملات جمهوری آذربایجان به ارمنستان بیش از ۱۰۰ کشته و ده ها نفر مجروح شده اند..... ۱۹
- سخنی به بهانه درگذشت «میخائیل گورباچف» و هیاهوی ضد کمونیست ها در ستایش از وی..... ۲۰
- «... تنها یک گلوله برای دشمن کافی است...»..... ۲۱
- در سوگ «سایه» (بخش دوم پایان)..... ۲۲
- اهمیت پیوستن به پیمان شانگهای و چند ویژگی مهم پیمان شانگهای..... ۲۳
- سخنی در مورد «بریکس» و فرصت های سیاسی و اقتصادی برای ایران..... ۲۴
- آیا هیأت حاکمه آمریکا در جهت رفاه و بهبود زندگی مردم آمریکا گام برمی دارد؟..... ۲۵
- عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر بهانه ای برای تجاوز نظامی به افغانستان و عراق..... ۲۷
- تحریم روسیه اشتباه بود! روزی خواهد رسید که به «پوتین» التماس کنیم..... ۲۷
- ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده..... ۲۸
- گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش..... ۳۰
- پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام..... ۳۱

احترام به خواست اکثریتی در جامعه ایران است. این ریاکاری به خشم مردم افزود و مردم را ترغیب کرد تا با شعارهای افراطی در شرایط نامناسب، که بخت تحقق نداشتند، به میدان آید ولی علی‌رغم آن باید سر تعظیم در مقابل این همه شجاعت و از خودگذشتگی فرود آورد، آنرا ارج نهاد و آموخت که فداکاری و از خودگذشتگی در مبارزه برای کسب آزادی و عدالت اجتماعی امری لازم و ضروری است، اما چنین فداکاری به تنهایی کافی نیست، موجب رهایی از ظلمت استبداد سرمایه‌داری نمی‌شود؛ باید این روحیه رزمندگی و شجاعت را با آگاهی و تشکل و سازمان درآمیخت، آنرا در مسیر صحیح هدایت کرد، تا به پیروزی برسد.

دوم اینکه اعتراضات مردم بار دیگر نشان داد که رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی حاکم به‌رغم ریزش نیرو و تناقضات داخلی و فشارهای بین‌المللی تا به چه حد هنوز آمادگی تمرکز نیرو و سرکوب مبارزات و اعتراضات مردم را دارد و برای روز مبادا حساب باز کرده است. هر چه مبارزات مردم رادیکال‌تر و قهرآمیزتر گردد، خشونت ضدانقلاب متمرکز و فشرده‌تر خواهد شد. نیروهای سرکوب‌گر رژیم، شامل سپاه پاسداران، بسیجی‌ها، عوامل لباس شخصی، لومین پروتلاریا، باندهای مخفی تروریستی... و ده‌ها گروه آشکار و پنهان، که چندین هزار نفرند، و نیروهای سرکوبگر ضد شورش، که تا دندان به تجهیزات مدرن مجهزند و مأموران انتظامی... و در پیش‌گیری از مبارزه مردم تمام نقاط راهبردی و مهم شهرها و جاده‌ها را با دوربین‌های چهره‌شناس تجهیز کرده‌اند، به طوری که بعد از سرکوب و آرامش در خیابان‌ها، تازه پیگرد مبارزان و معترضان را بر اساس بررسی تصاویر و اطلاعاتی که در این مدت با حوصله جمع‌آوری می‌کنند، آغاز خواهند کرد. سیاست سرکوب رژیم در تمام عرصه‌ها سازمان‌یافته است و هنوز توازن قوا به نفع حاکمیت است. غافل‌گیری رژیم جمهوری اسلامی و شعله‌ور شدن اعتراضات مردم تنها از دامنه اعتراضات، سرعت گسترش و عمق آن بود.

بطور خلاصه اینکه شعارهای براندازانه به جای یک مطالبه منطقی و مشخص، که مورد تأکید اکثریت مردم هست، هشیارانه نیست. اقدامی بدون تعمق، لحظه‌ای، ماجراجویی و عکس‌العملی، احساسی و هیجانی است و به انفراد حرکت برحق مطالباتی می‌کشد. رژیم اتفاقاً از همین استفاده خواهد کرد تا همه را شناسائی کرده و سرکوب نماید. رسانه‌های بیگانه نیز از اقدامات براندازانه و بی‌دورنما، که فقط رژیم را هدف گرفته و آینده‌ای برای ایران ندارند، حمایت می‌کنند و شعارهایی را جامی‌اندازند که سرانجام به نفع اربابان‌شان باشد. دعوت تبدیل ایران به لیبی و عراق از جانب ضدانقلاب صهیونیستی و امپریالیستی در نیویورک از اینگونه تلاش‌هاست. متأسفانه جنبش اعتراضی مردم به خاطر فقدان رهبری نتوانست با دشمنان خارجی و رسانه‌های وابسته و عوامل‌شان خط‌کشی روشنی کند و سوءاستفاده آنها از مبارزه مردم را به چالش



## چند درس مهم از اعتراضات مردمی اخیر

یکم: «مهسا امینی»، دختر ۲۲ ساله اهل سقز، که با ضرب و جرح مأموران «گشت ارشاد» حاکمیت به کما رفته بود، سرانجام جان خود را از دست داد و ملتی را در سوگ فرو برد. «مهسا امینی» نه نخستین قربانی و نه آخرین آن خواهد بود. این قتل جرقه‌ای بود تا در نتیجه بی‌تفاوتی حاکمیت به شعله‌ای در سراسر ایران بدل شود و ضربه سختی به حاکمیت بزند. مردم خشمگین اعم از جوانان، معلم و کارگر و دانشجو بار دیگر متحداً به میدان آمدند و در بدو امر خواهان انحلال گشت ارشاد به عنوان یک ارگان ارتجاعی و سرکوبگر و غیرقانونی شده و شعار «لغو حجاب اجباری» را به پرچمی بر علیه حاکمیت سرمایه‌داری اسلامی، که جان ملت را به لب رسانده، تبدیل کردند. زنان خشمگین با حمایت مردان در برابر بی‌تفاوتی حاکمیت نسبت به مطالبات انسانی و منطقی آنها با آتش زدن روسری‌های اجباری این نماد استبداد و تحقیر، نیروهای انتظامی و کل حاکمیت را به چالش گرفتند و نشان دادند که زنان میهن ما در انقلاب آتی چه نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای ایفا خواهند کرد.

همدردی درخشان و برآمد عمومی مردم در سراسر ایران نشان می‌دهد ملت ایران تا چه اندازه به رژیم جمهوری اسلامی و تمام ارگان‌های سرکوب و ستم‌اش نفرت دارد و خواهان برچیدن آن است. قتل «مهسا امینی» در وضعیتی رخ داد که فقر، گرانی، تبعیضات، فساد، تحریم و فشار خارجی و... سراپای جامعه را فرا گرفته و از هر جرقه‌ای حریق برمی‌خیزد. حضور مردم ناراضی در کف خیابان، فضای ملتهب و خشم و نفرتی را که در سراسر ایران جاری گشت، ترس را بر نیروهای انتظامی و نظام جمهوری اسلامی مستولی گردانید. پنهان شدن ملاحی مفتخور و آفتابی نشدن آنها در خیابان‌ها بازتابی از این ترس است که بر آنها حاکم گشته است. رادیکالیزه شدن شعارهای زنان و مردان غیور ایران و همزمان اتحاد و همبستگی لایه‌های مختلف جامعه شهری محصول دروغ‌گویی، بی‌تفاوتی رژیم و



## نگرانی آمریکا از «نقض حقوق زن» در ایران و اشک تمساح برای مردم ایران؟!

یک هفته از جانباختن «مهسا امینی» گذشت؛ «پلوسی» نماینده کنگره آمریکا، در پیامی به مردم ایران گفت: «صدای شجاعانه مردم ایران در سراسر جهان شنیده شده است».

آمریکا از فرصت استفاده کرده با تحریم «گشت ارشاد»، یک تحریم دیگر بر سایر تحریم‌های ایران، که ۱۷۵۰ مورد است، افزود تا موقعیت چانه زنی‌اش را در «برجام» بالا ببرد. رسانه‌های برون‌مرزی وابسته به غرب با سوءاستفاده از اعتراضات خودجوش مردم به دنبال سودای دیگری هستند. آمریکا از تشدید تضادهای سیاسی در ایران و جنگ داخلی استقبال می‌کند، زیرا می‌داند این شورش مردم و سرنگونی رژیم به قدرت‌گیری یک نیروی چپ و ضدامپریالیستی و آزادی‌خواه و عدالت‌طلب منجر نمی‌شود. بقول معروف هیچگاه «سلام گرگ بی طمع و بی حساب» نیست!

پوشش خبری قتل «مهسا امینی» در ابعاد جهانی و اشک تمساح ریختن برای زنان ایران و فضای تشدید تحریم‌ها و خواست «مداخله جامعه جهانی» در ایران و «حمایت از حقوق زنان» همه بیانگر این امر است که جنبش اعتراضی خودجوش و فاقد رهبری آگاه و بی‌دورنمای سیاسی کنونی تا به چه حد آسیب‌پذیر است و می‌رود که بر ضد منافع آبی و آبی خود بدل شود. بین ۱۶ سپتامبر و ۲۲ سپتامبر، یعنی در عرض ۷ روز، اشپیگل ۱۲ مقاله در این زمینه در پلاتفرم آنلاین خود منتشر

بگیرد. جنبشی که نتواند صف دوستان و دشمنان را از هم تمیز دهد، محکوم به شکست است.

سیاست «حجاب اجباری» و گشت ارشاد در ایران شکست خورده است و این امر در اختلافات درون حاکمیت نیز بازتاب می‌یابد. دولت جمهوری اسلامی سرانجام این گشت را با شکل مناسبی که خودش تشخیص می‌دهد، برخواهد داشت و این پیروزی این مبارزه و دست‌آورد آن است.

سوم اینکه اعتراضات مردمی اخیر نشان داد که همه جنبش‌های فاقد رهبری سرکوب می‌شوند. برای پیروزی در مبارزه طبقاتی و در انقلاب اجتماعی به نیروی رهبری‌کننده و عامل آگاه سیاسی و یا شرایط ذهنی نیاز است. جنبش مردم برای اینکه پیروز شود، باید ستاد فرماندهی در این نبرد داشته باشد. در نبردی که میان طبقات فرودست و حاکمان درمی‌گیرد، مردم نیز می‌بایستی در این جنگ سرداران و رهبران عملی و نظری خود را داشته باشند. توده بی‌رهبر و یا رهبران بی‌سپاه هرگز قادر به پیروزی نیستند. آنها که به نفی رهبری سیاسی و فرماندهی واحد می‌پردازند و مروج آنارشیزم، آشوب و لیبرالیسم هستند، دشمنان مردم‌اند و جنبش را به شکست می‌کشاند. جنبش کنونی، صرف‌نظر از هسته عادلانه‌ای که داشت، یک حرکت خودجوش و بی‌دورنما و شورش کور موقتی بوده، مُسکن احساسات و فاقد چشم‌انداز است و به راحتی آلت دست جریان‌های ضدانقلابی سلطنت‌طلب و فرقه تروریست و خرابکار رجوی و تجزیه‌طلبان قومی نیز قرار می‌گردد. برای دشمنان ایران کسب حقوق مطالباتی زنان مطرح نیست، جان مردم ایران ارزشی ندارد، اغتشاش و سوءاستفاده و افزایش تعداد قربانی که تا لحظه کنونی متأسفانه رسماً به ۴۲ نفر رسیده ولی آمار غیر رسمی بیش از ۶۷ نفر را گزارش داده است، برای آنها نان و آب سیاسی دارد و مطرح است. شورش کور فقط می‌تواند به بن‌بست برسد و به یأس بدل شود و نمی‌تواند مورد ترغیب و تشویق نیروهای آگاه سیاسی و با مسئولیت باشد.

بزرگ‌ترین درس اعتراضات مردمی اخیر، همانند جنبش‌های خردادماه ۸۸، دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ این است که برای غلبه نهایی بر رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و درهم‌شکستن ماشین سرکوب آن، به حزب انقلابی واحد طبقه کارگر نیاز است. توده مردم و در رأس آن طبقه کارگر بدون حزب نیرومندش گوشت دم توپ بورژوازی است. طبقه کارگر بدون سازماندهی و رهبری حزبی ماهیتاً کمونیستی قادر به آزادی خویش و سایر ستمدیدگان نیست و نخواهد بود. تنها با رهبری درست است که شعارها و مطالبات جنبش با توجه به توان و درجه آمادگی جامعه و ارزیابی تناسب قوای طبقاتی امکان پیروزی، جلب اکثریت و تحقق دارند. توسل به مطالبات غیر قابل تحقق در شرایط نامناسب فقط ضدانقلاب و دشمنان خارجی ایران را تقویت می‌کند که خواهان تحریم و تجزیه و پاره پاره کردن ایران هستند.\*

کرد - اولین مقاله فقط چند ساعت پس از مشخص شدن مرگ در ۱۶ سپتامبر منتشر شد.

## «پتروشیمی مهر» به علت فسادهای گسترده در آستانه ورشکستگی قرار گرفت

طبق گزارش «اقتصاد آنلاین» گم شدن ۵ هزار میلیارد تومان دیگر در یکی از شرکت‌های پتروشیمی آن را به آستانه ورشکستگی رساند. براساس گزارش‌های منتشر شده، «پتروشیمی مهر»، تولیدکننده پلی اتیلن به دلیل تخلفات سهام‌دار خارجی این شرکت در آستانه ورشکستگی و تعطیلی قرار گرفته است.

این شرکت از زیرمجموعه‌های هلدینگ «خلیج فارس» است. براساس گزارش سازمان بازرسی در پرونده پتروشیمی مهر، واگذاری ۶۰ درصد از سهام شرکت به سرمایه‌گذار ایتالیایی و بیش از ۵ هزار میلیارد تومان ارزش صادراتی گمشده و تبانی و بدهی ۳ هزار میلیاردی و حقوق‌های نجومی و تخلفات بورسی و... مشاهده می‌شود. این خبر تنها چند هفته پس از رسوایی انتشار گزارش تحقیق و تفحص درباره اختلاس ۹۲ هزار میلیارد تومانی فولاد مبارکه منتشر می‌شود و تازه‌ترین نمونه از فساد گسترده و سیستماتیک است که تمامی اجزای جمهوری اسلامی را در بر گرفته است.

پتروشیمی مهر سال ۸۴ با سرمایه‌گذاری ۶۰ درصدی کنسرسیوم ژاپنی - تایلندی و سرمایه‌گذاری ۴۰ درصدی شرکت صنایع ملی پتروشیمی ایران احداث شد. سال ۹۷ سهام‌دار خارجی درخواست فروش سهام خود را به هلدینگ «خلیج فارس» اعلام می‌کند. هلدینگ «خلیج فارس» از فرصت مالکیت صد در صدی این پتروشیمی استفاده نمی‌کند و با اختلاف نظر در مورد قیمت پیشنهادی طرف خارجی معامله لغو می‌شود. طرف خارجی سهام خود را به یک شرکت بی‌نام و نشان ایتالیایی در صنعت پتروشیمی می‌فروشد. به گزارش اقتصاد آنلاین، عامل اصلی اختلاف نظر طرف ایرانی و طرف خارجی در این معامله شورای قیمت‌گذاری بود. شورای قیمت‌گذاری رقمی را به طرف ژاپنی - تایلندی پیشنهاد می‌دهد که بسیار پایین‌تر از ارزش اصلی سهام بود. اما اتفاق جالب اینجاست که پس از روی کار آمدن شرکت ایتالیایی، یکی از اعضای شورای قیمت‌گذاری به نام علی حسینی، به‌عنوان مدیرعامل جدید معرفی می‌شود و حقوق ۲۶ هزار دلاری علی حسینی یکی از تخلفاتی است که اکنون از آن سخن گفته می‌شود.

فساد گسترده رژیم جمهوری اسلامی فقط ثروت مردم ایران را از بین نمی‌برد، استقلال کشور را هم نیز بر باد می‌دهد و خیانت آشکار به دست‌آوردهای انقلاب ایران است. آنها آینده یک کشور و ملتی را قربانی حال خود می‌کنند. \*

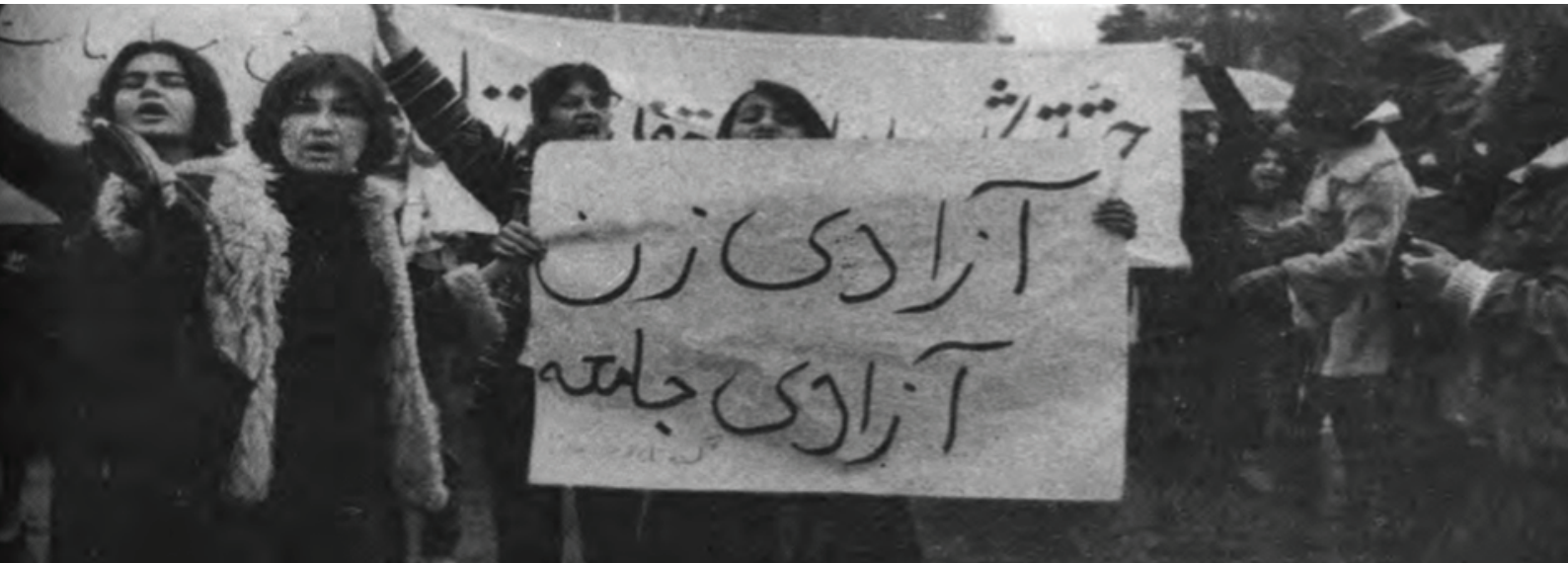
متأسفانه جنبش اعتراضی مردم از مسیر طرح مطالباتی و جنبش توده‌ای عبور کرد و به درگیری زودرس و مرحله سرنگونی و جنگ داخلی ورود کرده است. این شرایط با توجه به فقدان بدیل انقلابی فرجام خطرناکی را رقم خواهد زد که دودش به چشم مردم خواهد رفت. شعار سرنگونی و بدون توازن قوای طبقاتی و «انشالله که گریه» است و «هر چه پیش آید، خوش آید»، شعار کور و غیرعقلانی و محکوم به شکست است و به نتیجه مثبت نخواهد رسید.

### مبارزه مردم ایران دارای ماهیت قومی و مذهبی نیست

مبارزه مردم ایران و حمایت و همبستگی با خانواده «مهسا امینی» رنگ قومی و مذهبی نداشته و ندارد. «مهسا» مانند صدها زن دیگر ایرانی قربانی سرکوب و تبعیض و مرگ قرار گرفته است. حمایت کردهای سوریه، ترکیه و عراقی از زنان ایرانی، کردهایی که بند نافشان به امپریالیسم وصل است، از تلاش برای قومی کردن قتل «مهسا» از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند. مبارزه مردم ایران هیچ رنگ قومی و ملی و مذهبی و فرقه‌ای ندارد و برآمد مردم علیه تبعیض جنسیتی و سرکوب و طغیان علیه فقر و نکبت شکاف طبقاتی است که چندین دهه است ادامه دارد.

فراخوان احزاب کُردی ایرانی، عراقی، سوریه‌ای و ترکیه‌ای که از الگوی «برابری زن روزآوایی» تحت حمایت ارتش آمریکا الهام می‌گیرند، هیچ ربطی به مبارزه زنان ایران و همدردی با قتل «مهسا امینی» ندارد. باید هوشیار بود و اجازه نداد تا نیروهای قومی و فرقه‌گرای ویرانی طلب از وضعیت بلبشوی کنونی سوءاستفاده و پای مداخله امپریالیستی را در ایران باز کنند. مبارزه مردم سراسر ایران باید مستقل از تشبثات و توطئه‌های عوامل امپریالیسم، مستقل از پروژه‌های «مسیح‌علینژاد» و جریان‌ات قومی و تجزیه طلب به پیشروی خود علیه ظلمت نظام سرمایه‌داری رو به جلو حرکت کند، تا به نتایج مثبتی دست یابد

## سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم



## زنان ایران موجی نیستند که آرام گیرند

این روزها شاهد اعتراضات خودجوش مردم ایران در واکنش به مرگ تراژیک «مهسا امینی»، دختر جوان اهل کردستان در بازداشتگاه «گشت ارشاد» هستیم. اعتراض به حقی که نشانگر خشم اقشار مختلف جامعه، به خصوص زنان، جوانان و البته بقیه گروه‌ها و رده‌های سنی اجتماعی است. بدون آنکه بخواهیم به همه ریشه‌ها و دلایل شکل‌گیری این تظاهرات بپردازیم، چرا که تحلیل آن در این نوشتار مختصر دشوار و حتا غیرممکن می‌نماید؛ نگاهی اجمالی به برخی شعارهای مطرح شده خواهیم انداخت. از جمله شعار «آزادی زن، آزادی جامعه» در این میان گسترده‌ترین و اساسی‌ترین آنها به نظر می‌رسد. شعاری که بیانگر حقایقی غیر قابل انکار در خصوص سلب حقوق ملت شریف ایران از سوی حاکمان ستم‌پیشه جمهوری سرمایه‌داری اسلامی است. زنان، بمثابة نیمی از جامعه ایران، همواره در چهار دهه اخیر تحت انواع ستم از سوی مرتجعین حاکم قرار گرفته‌اند. از سلب حقوقی، همچون حق حضانت اولاد یا حق طلاق گرفته تا انواع مختلف تبعیض مثل عدم دریافت دستمزد برابر یا فرصت برابر شغلی و شاید ده‌ها نمونه دیگر. یکی از بنیادی‌ترین و واکنش برانگیزترین این مظالم سلب اختیار پوشش فردی یا همان «حجاب اجباری» است؛ اجباری که شاید بتوان از آن به عنوان نمادی از حذف و نادیده گرفتن زنان در جامعه یاد کرد. به روایتی شهروند درجه دومی که علی‌رغم تمام نابرابری‌ها با مجاهدت مثال‌زدنی تاریخی در اثبات خویش به عنوان عنصری موثر در رشد و شکوفایی اجتماع هنوز به عنوان ابراهای صرفاً جنسی و در عالی‌ترین برداشت دینی تنها به عنوان مادری نمونه از او یاد می‌شود. وجودی انکارشده

که تنها راه رهایی خود را در مبارزه‌ای ممتد و جان‌فرسا با منکرانش می‌یابد. از این منظر نقش واژه «آزادی زن، آزادی جامعه» بسیار محوری، تفکر برانگیز و طبقاتی است. زندگی زنان، بویژه زنان زحمتکش در پیوستگی متجانس خود با زن انگار مطالبه‌گر تمام آن چیزهایی است که یک انسان برای حیات خود در اجتماع باید از آن بهره‌مند باشد. زندگی اعم از نیازهای اولیه چون خوراکی، پوشاک و سرپناه است. سر دادن شعار «حق و حقوق برابر» و لغو همه اشکال تبعیض به نوعی با در برگرفتن تمام نیازهای اولیه مطالبه‌گر جنبه‌های متعالی‌تری از حیات نیز هست. آن مولفه‌هایی که حرمت نفس آدمیان را تضمین می‌کند. شاید قشر متوسط جامعه به عنوان خاستگاه اعتراضات اخیر، علی‌رغم تمام سختی‌ها در تأمین هزینه‌های زندگی از حداقل‌های معاش برخوردار است، ولی جامعه‌ای چنین تبعیض‌آمیز را در خور و شایسته زندگی نمی‌داند. چرا که آدمی تنها به اتکا به خود نمی‌تواند زندگی کند و حیات او وابسته به حیات اجتماع است. «آزادی» به عنوان یک مقوله طبقاتی از اساسی‌ترین حقوق انسان شامل آزادی بیان، تجمع، اعتراض و بسیاری از شئون دیگر آزادی مکمل این زنجیره سرکوب شده در طول بیش از چهار دهه حکومت استبدادی جمهوری سرمایه‌داری اسلامی است. شعار «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر» و درآمیختگی با شعار «آزادی زن، آزادی جامعه» نیز مویذ این موضوع است که جامعه ایران برای رهایی از استبداد فعلی دست به دامان ارتجاع گذشته نمی‌شود و راه رهایی خویش را در نگاهی به جلو و مسیر تکامل تاریخی جستجو می‌کند، چیزی که رسانه‌های وابسته به دستگاه ارتجاع پهلوی این روزها از باز نمایاندن آن ظفره می‌روند. زنان ایران موجی نیستند که آرام گیرند، برای رهایی خود و جامعه و لغو هرگونه ستم جنسیتی و طبقاتی و سرانجام تحت رهبری طبقه کارگر به همه این نابسامانی‌های اجتماعی پایان خواهند داد.\*

## چرا ادیان ابراهیمی؛ یهودیت،

## مسیحیت و اسلام زن ستیز

## هستند؟

تاریخ به ما می‌آموزد که قرن‌ها قبل از تقسیم‌بندی جوامع انسانی به طبقات متخاصم و پیش از شکل‌گیری نظام برده‌داری، انسان‌ها به مدت قریب سیصد هزار سال فارغ از دین و مذهب و باورهای ماورالطبیعه، می‌زیستند. ذهن جستجوگر و کنجکاو آدمی در تمام دوره حیات خویش، خصوصاً از اوایل شکل‌گیری تمدن‌ها و آغاز پیدایش سیستم برده‌داری، با دانش ابتدایی خود، همواره در پی یافتن پاسخ و توضیحی برای ناشناخته‌های جهان طبیعت بود. اینکه چگونه روشنایی و روز جایش را به تاریکی و شب می‌دهد، زلزله و آتشفشان و یارعد و برق چگونه پدید می‌آیند، چرا رود نیل هر از گاهی طغیان می‌کند و تمام محصول و دام‌هایشان را از بین می‌برد، زندگی و مرگ چگونه است و آیا بعد از مرگ حیات دیگری هست و ده‌ها و صدها سؤال دیگری از این دست.

پاسخ و توضیحات غیرعلمی درباره پدیده‌های ناشناخته در طبیعت و وضع قوانین، مقررات، اخلاقیات و احکام «متناسب» با شرایط، روابط و مناسبات اجتماعی حاکم بر مردم و اقوام در آن زمان، به مرور ایام جمع‌آوری و مکتوب گشت و سبب شکل‌گیری کتب «آسمانی» در ادیان و مذاهب گوناگون، از جمله ادیان ابراهیمی گردید. بنابر این می‌توان گفت که «انسان مذهب را آفرید و نه مذهب انسان را!» هر سه کتب «آسمانی» تورات و انجیل و قرآن به ساکنان بهشت، یعنی آدم و حوا اختیارات تام در استفاده از خوراکی‌ها و میوه‌های درختان بهشتی داده شد، الا از میوه ممنوعه درخت معرفت در تورات، درخت سیب در انجیل و گندم در قرآن که خوردن آن از جانب «باری تعالی» قویاً قدهغن شد! چرا «خداوند بخشنده و مهربان» خوردن چنین میوه‌ای را قدهغن کرد؟! کسی نمی‌دانست و جرأت چرایی و کندوکاو را هم نداشت و از ترس مجازات در جهنم حتی شک و تردید هم به خود راه نمی‌داد! آخر شک و تردید در آیات الهی از جمله گناهان نابخشودنی است!

«انسانی» ظریف و نکته‌سنج در کتابی آورده که؛ احتمالاً حضرت «باری تعالی» می‌دانسته که خوردن این میوه‌ها سبب معرفت و آگاهی آدمی به نحوه خلقت و آفرینش کائنات خواهد شد و در اثر شناخت و آگاهی ممکن است به «خطای قلم صنع» معترض گردد و با سئوالات، او را به دردرسر اندازد،

که حضرت «باری تعالی» نتواند پاسخ علمی و منطقی بدهد و در نتیجه، آدمیان از دستورات و قوانین الهی سرپیچی کرده و «مخلوقی» سرکش و یاغی و مُشرك و کافر و ملحد و مرتد شوند! مثلاً از زبان «ناصر خسرو قبادیانی» بگویند: «الهی راست گویم فتنه از تست» و یا «فردوسی طوسی» بگویند: «جهان را جهاندار خواهد خراب!» «خیام» بگوید: من می‌گویم که آب انگور خوش است. «سعدی» بگوید: «کز زهد ندیده‌ام فتوحی - تا کی زخم آبگینه بر سنگ». و «حافظ» بگوید: «پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت - ناخلف باشم اگر من به جوی نفروشم». «باری»، «حوا»، این زن شجاع و دلیر و کنجکاو، حاضر نشد که مثل فرشتگان بارگاه ملکوت، موجودی مطیع، مفلوک، برده و چشم و گوش بسته باقی بماند!

«عشق را با کفر و با ایمان چه کار؟!»

لذا میوه ممنوعه را خورد و خشم خدایان جبار را هم به جان خرید و بابت این گناه، خداوندان یهود و نصارا و اسلام او و همسرش آدم را از عالم لاهوت به دنیای ناسوت و بر روی زمین تبعید کردند. در زمین، جرم و گناه حوا سنگین تر هم شد، چون توسط فرزندان و نوادگان‌اش مدام «اسرار هویدا می‌کرد!» و فرزندان و نوادگانی نظیر «منصور حلاج»، «ابن سینا»، «ذکریای رازی»، «بیرونی»، «سهروردی»، «روزبه» ملقب به «ابن مقفع»، «ابوالامعری»، «فردوسی»، «خیام»، «سعدی»، «حافظ» و نحله‌های فکری «مزدکیان»، «خرمدینان»، «زنادقه»، «حروفیه»، «قمرطیان» و فلاسفه و اندیشمندان دیگری مثل «دیدرو»، «هولباخ»، «ولتر»، «داروین»، «هگل»، «فویرباخ»، «مارکس» و «انگلس» و هزاران هزار مبارز و پیکارگر راه آزادی و راه رهایی از ظلم و بیداد و از جهل و خرافات مذهبی و از استعمار و استثمار و بردگی تربیت کرد و این شد که ملایان شیعه و سُنی، کشیشان و پاپ‌های کلیساها و خاخام‌های یهودی کنیسه‌ها، طبق تعالیم کتاب «آسمانی»‌شان، زنان را از حقوق اجتماعی محروم کردند. عبادت‌اش را ناقص دانستند، ارث‌اش را نصف کردند، شهادت‌اش را نپذیرفتند، از درس و مدرسه محروم‌اش کردند، حق قضاوت را از او سلب کردند، حق حضانت از بیجه را از او گرفتند، خانه‌نشین‌اش کردند و حجاب اجباری را بر او تحمیل نمودند و صدهامورد دیگر از ظلم و بیداد بر وی رواداشتند و در طول تاریخ هزاران هزار از زنان و مردان را کشتند و «مهسا امینی» را هم کشتند. سزاست که قتل وحشیانه «مهسا امینی» بی‌گناه را به همه دلشکسته‌گان و بر سر آتش نشسته‌گان سرتاسر ایران تسلیت بگوئیم و روزی یکدل و یکزبان و تحت رهبری سازمان و تشکیلات راستین مردم ایران بساط ستم و بیداد و جهل و خرافات را از سرزمین بلادیده‌مان برچینیم! چنین باد!\*

جیره خوار امپریالیسم و ارتجاع منطقه از این رخداد خوشحال اند و بر طبل درگیری‌های زودرس و جنگ داخلی می‌کوبند. در این میان تلویزیون «سعودی اینترنشنال»، یکی از کثیف‌ترین رسانه‌های برون‌مرزی است که با دلارهای عربستان سعودی شبانه‌روز برای پاره پاره کردن ایران دروغ پخش می‌کند و تریبونی برای تجزیه‌طلبان و همه وطن‌فروشان است که به ریسمان امپریالیسم و صهیونیسم و هائیسیم آویزان شده‌اند. مردم ایران و مطالبات‌شان از یک جنس و ماهیت است. این فریاد بازتابی از نارضایتی عمومی و نفرت از سرکوب و خفقان و تبعیض و گرانی و فقر و شکاف طبقاتی است. همه مردم ایران از سلطه رژیم سرمایه‌داری اسلامی، از سیاست‌های نئولیبرالی و اوامر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، رانت‌خواری و دزدی و فساد در رنج‌اند و مبارزه مشترک مردم هیچ رنگ و بوی قومی و مذهبی و منطقه‌ای ندارد. از اصفهان تا رشت و سنج و تهران و مشهد و مازندران و خوزستان... یکصدا فریاد آزادی سر می‌دهند و اتحاد و همبستگی و مخالفت با هرگونه سوء استفاده اجانب از این مبارزات مردمی و مترقی پرچم مشترک همه مردم سراسر ایران برای ایرانی آباد و مستقل و آزاد و شکوفان است و جز این نیست. تعفن فرقه‌گرایی و جدایی‌طلبی در میان مردم ایران جایی ندارد. قتل «مهسا امینی» جرقه‌ای بود که می‌رود تا به شعله‌ای در سراسر ایران بدل شود. این از هزاران برگ سیاه دیگری از سرکوب زنان میهن‌مست که به کارنامه ننگین حاکمیت اسلامی افزوده شد. اینبار «مهسا امینی»، دختر ۲۲ ساله اهل سقز، که با ضرب و جرح مأموران «گشت ارشاد» حاکمیت به کما رفته بود، جان خود را از دست داد و همه جامعه را در بهت فرو برد. مردم خشمگین اعم از معلم و کارگر، دانشجو بار دیگر متحداً به میدان آمدند و خواهان انحلال «گشت ارشاد»، به عنوان یک ارگان ارتجاعی و سرکوب‌گر و غیرقانونی شده و شعار لغو «حجاب اجباری» را به پرچمی بر علیه حاکمیت جهل و جنون سرمایه‌داری اسلامی، که جان ملت را به لب رسانده، تبدیل کرده‌اند. دستگاه سرکوب زن‌ستیز «گشت ارشاد»، که با پول ملت مشت‌اراذل و اوباش را به جان زنان انداخته است، باید برود دزدها و راهزنان اقتصادی را در بانک‌های خصوصی، اطاق بازرگانی و شرکت‌های خصوصی شده حجاب‌دزدی از سرشان بردارد تا امر به معروف و نهی از منکر بطور واقعی اجرا شود. این جنایتکاران گویا زورشان فقط به زنان «بدحجاب» می‌رسد تا با سرکوب و ارباب به سلطه قتل و غارت خود ادامه دهند. اما اکنون زمان آن فرا رسیده است تا ملت بطور یکپارچه در مقابل این گرازه‌های وحشی بایستد و مستقل از جریان‌ات ارتجاعی که برای سوار شدن بر مبارزات مردم خیزبرداشته‌اند، سرنوشت‌اش را در دست گیرد.

مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم!  
برچیده باد گشت سرکوب و خفقان ارشاد!

لغو فوری حجاب اجباری!\*



## اوباشان مأمورین گشت ارشاد جنایت آفریدند

تصویری بس غم‌انگیز بالا، وجدان هر انسان شرافتمندی را زخمی، مغز آدمی را به جوش و در عین حال خشم و نفرت آدمی را نسبت به بانیان چنین فجایعی صد چندان می‌کند! در شبکه‌های اجتماعی آمده که دختری به نام «مهسا امینی» اهل شهرستان سقز، که همراه خانواده خود به تهران آمده بود، در تهران توسط گشت ارشاد دستگیر و به بازداشتگاه خیابان وزرا منتقل می‌شود. ۲ ساعت بعد بدن نیمه جان‌ش را از بازداشتگاه به بیمارستان کسری انتقال می‌دهند! در خبرها گزارش شده که «مهسا امینی» به دلیل کتک‌های مأموران گشت آسیب مغزی دیده و به کما رفته است. برخی رسانه‌ها هم از مرگ مغزی وی خبر دادند. اما مرکز اطلاع‌رسانی پلیس تهران بنا بر سیاست معهود خویش، در اطلاعیه‌ای به دروغ «بیهوشی» او را «سکته قلبی» عنوان کرده است!! چرا و چگونه دختری جوان و ۲۲ ساله در بازداشتگاه جهنمی وزرا باید سکته قلبی کند؟! اصولاً این مأمورین گشت ارشاد، سربازان امام زمان، لباس شخصی‌ها و «مردم اوباش! کیستند و کیان‌اند ایشان، این اوباشان؟ از کجا برآمده‌اند ایشان؟ و به چه کار؟ از کجای خاک به در جوشیده‌اند این هرز بوته‌ها، و از پستان کدام مادر شیر نوشیده‌اند؟ از پستان مادری آیا شیر نوشیده‌اند؟» مردم آگاه ایران چه واکنش و چه عکس‌العملی در قبال صدها و هزاران فاجعه این چنینی، از ابتدای حاکمیت جمهوری اسلامی تا به امروز و روزهای آینده، می‌توانند نشان دهند که بهتر و گویاتر از خشم فروخورده و سکوت درون‌شان باشد که بالاخره روزی با سازماندهی و وحدت و تشکیلات زمین و زمان را زیر و زبر خواهند کرد!

**باید هوشیار بود**

خشم عمومی و اعتراضات به قتل «مهسا امینی» به دست گشت ارشاد در شهرهای مختلف همچنان ادامه دارد. در عین حال که مردم ایران خشمگین و عزا دار هستند، رسانه‌های برون‌مرزی و

## پیام های همدردی چند انجمن و اتحادیه صنفی کارگری با جنبش اعتراضات مردمی اخیر

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در رابطه با جانباختن «مهسا امینی» با انتشار پیامی چنین نوشت:

«خبر کوتاه بود ولی در کم تر از چند دقیقه، چون زلزله‌ای عمیق و فاجعه‌ای دردناک، مردم ایران را لرزاند. مهسا امینی، دختر ۲۲ ساله گرد، که پس از بازداشت توسط ماموران گشت ارشاد به وزرا منتقل شده بود، در کم تر از دو ساعت به ادعای اطلاعیه مسئولان دچار مرگ مغزی یا قلبی شد! بدیهی است که سابقه‌ی برخورد های خشونت‌آمیز بعضی از مأموران گشت ارشاد باعث شود تا ادعای رسانه‌های حکومتی مبنی بر عارضه‌ی قلبی و یا مغزی، برای مردم ما، پیامدهای این باورناپذیر باشد. مهسا امینی، یکی از هزاران زن قربانی در ایران است. حمله‌ی سرپالی به زنان در خیابان موجب سلب آرامش آنان، خانواده‌ها و جامعه شده است....»

اما بهانه‌ی بازداشت چند ساعته‌ی مهسا حضور در کلاس آموزشی! و توجیهی! نیروی انتظامی اعلام شده است. این چه آموزشی است که شاگردش باید بازداشت و تحت فشار آموزش ببیند و توجیه شود؟ مگر مهسا و مهسا‌های این ملت دست کم دوازده سال در مدرسه‌ها و کلاس‌های آکنده از آموزش‌های ایدئولوژیک شما آموزش ندیده و توجیه نشده‌اند؟ مگر مهسا و مهسا‌های ما سال‌ها دچار برداشت انحصاری و خاص از دین و مذهب مورد نظر شما نبوده‌اند؟! راستی چه نتیجه‌ای از این همه القانات ایدئولوژیک در مدرسه‌ها گرفته‌اید که باز هم به دنبال برگزاری یک ساعت کلاس آموزشی و توجیهی برای زنان و دختران ما هستید؟ آن هم در بازداشتگاه و آن هم از سوی ماموران بازداشت و آن هم از سوی کسانی که مهمترین مهارت‌شان خط و نشان کشیدن و تهدید و باتوم و ... است! آیا وقت آن نرسیده که یکبار برای همیشه فکر کنید که این روش‌ها نتیجه عکس داده و محتاج بازبینی و بازنگری‌اند؟ آیا زمان آن نرسیده که از خود بپرسید، چه کردید که گروه گروه جوانان این کشور از برداشت انحصارگرایانه‌ی شما از دین و مذهب بیزار شده‌اند و چرا از هر فرصتی برای فرار از چنگال نگاه آلوده به ایدئولوژی قرون وسطایی تان می‌گریزند؟ امروز شکاف عمیق بین آنچه که شما می‌خواهید با سبک زندگی جوانان و نوجوانان و در کل بخش بزرگی از شهروندان کشور نشان می‌دهد نه تنها سیاست‌های آموزشی شما بلکه سیاست‌های

ایدئولوژیک تان شکست خورده و نیازمند تغییراتی عمده و عمیق است. آیا نیاز به تغییر را درک می‌کنید؟ یا آنقدر به این مسیر خود ادامه می‌دهید تا مانند امروز صبر جامعه لبریز شود؟ تاریخ بسیار ستیزه‌جو و بی‌رحم است! پس منتظر انتقام تاریخ نمانید.

ما ضمن همدردی با خانواده‌ی مهسا و تسلیت به مردم داغدار ایران، اعلام می‌کنیم که جامعه‌ی ما، این گونه خشونت‌ها را علیه زنان بر نمی‌تابد بنابراین، انتظار داریم علاوه با پایان دادن به بگیر و ببند های گشت ارشاد و توقف هر چه زودتر این سیاست ضد زن، برخوردی قاطع با عاملان و آمران اینگونه حوادث ناگوار صورت گیرد.»

### سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با انتشار اعلامیه‌ی «پیرامون قتل «مهسا امینی» نوشت:

«مهسا «ژینا» امینی، دختر ۲۲ ساله‌ی سقزی که در روز سه شنبه ۲۲ شهریور توسط گشت ارشاد در ایستگاه متروی حقانی تهران بازداشت شده بود، بعد از دو ساعت پیکر نیمه جان او تحویل بیمارستان کسری داده می‌شود.

متأسفانه «ژینا امینی» در عصر روز جمعه ۲۵ شهریور ماه ۱۴۰۱ در بیمارستان کسری بر اثر ضربه مغزی جان باخت.

این اولین بار نیست که زنان جامعه ما مورد ضرب و شتم و بازداشت قرار می‌گیرند، این اولین بار نیست که جان شیرین زنان و دختران این سرزمین قربانی سیاست‌های ضد زن و مردسالارانه می‌شود، و متأسفانه تا زمانی که سرمایه‌سالاری و مردسالاری حاکم باشد، ما شاهد اینگونه فجایع خواهیم بود.

اما مردم ستم‌دیده در کردستان و دیگر شهرهای ایران، دانشجویان و زنان مبارز با اعتراضات تاکنونی خود نشان دادند که در مقابل این کشتار سیستماتیک خواهند ایستاد.

زنان و مردان ستم‌دیده می‌دانند که با اتحاد و همبستگی و مبارزه مداوم می‌توانند به این ظلم و ستم و تبعیض پایان دهند تا دیگر اربابان زور و ستم نتوانند فرزندان ما را به قتل برسانند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به خانواده مهسا امینی تسلیت گفته و خود را شریک از دست دادن فرزند دلبد آنها می‌داند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به قتل رساندن ژینا امینی را محکوم کرده و خواستار شناسایی، معرفی و مجازات عاملان و آمران این جنایت بوده و خواستار لغو تمام قوانین ضد زن می‌باشد.»

### سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نیز با انتشار بیانیه در مورد جانباختن «مهسا



## امیری» نوشت:

«سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه این جنایت آشکار و بی‌شرمانه را قویاً محکوم می‌کند و خواهان پیگرد، محاکمه علنی و مجازات کلیه مسببین به قتل رسیدن مهسا امینی می‌باشد. گشت ارشاد و دیگر نیروهای سرکوب حاکمیت که روزی دختران و زنان و جوانان را در خیابان‌ها و بازداشتگاه‌های خود آزار و شکنجه می‌دهند، روز دیگر به خانواده‌های نگران، گاز اشک‌آور پرتاب می‌کنند. روزانه به تجمعات عدالت‌طلبانه یورش می‌برند، کارگر، معلم، بازنشسته و دانشجوی معترض و خانواده‌هایشان را بازداشت می‌کنند و احکام طولانی مدت زندان برایشان صادر می‌کنند، بلی تمامی این نیروهای سرکوب و سران آنها باید پاسخگوی جنایات و اعمال سرکوب‌گرانه خود باشند. آزادی ابراز وجود، انتخاب نوع پوشش، و حق تحصیل، اشتغال، طلاق و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی حق کامل تمام مردم کشور اعم از زن و مرد و هر گروه اجتماعی دیگر می‌باشد. نقض نظام‌مند و خشونت‌آمیز حقوق زنان موجب گسترش نفرت عمومی از سرکوب‌گران شده است. باید به تبعیض ساختاری، نهادینه شده و مردسالارانه علیه دختران و زنان در کشور پایان داد.

جنبش کارگری و تشکلات مستقل کارگری مدافع قاطع برابری زن و مرد و مخالف تحمیل هر گونه حجاب اجباری و بی‌عدالتی و تبعیض علیه زنان و مردم تحت ستم در ایران است. به عنوان کارگران و زحمتکشان و محروم شدگان، که اکثریت مطلق جمعیت کشور را تشکیل می‌دهیم در مقابل این ظلم و ستم باید با صدای هر چه رساتر اعتراض کنیم و خواهان عدالت و دادخواهی برای مهسا (ژینا) امینی و تمامی دیگر قربانیان سیاست‌های زن‌ستیز و تبعیض‌آمیز و جنایتکارانه، که توسط ارگان‌های مختلف و متعدد سرکوب صورت می‌گیرند، شویم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بار دیگر قتل سبعانه مهسا امینی را قویاً محکوم کرده و مراتب تاسف، تسلیت و همدردی صمیمانه خود را به خانواده داغدار این عزیز ابراز نموده و خود را در غم آنان و خشم و اعتراض به حق مردم سقز و سراسر کشور شریک میدانند».

## انجمن صنفی معلمان سنندج کلاترزان در مورد شکنجه و مرگ مهسا (ژینا) امینی دختر سقزی با انتشار پیامی نوشت:

گشت ارشاد اصرار دارد که زنان و دختران دستگیر نمی‌شوند بلکه برای توجیه به مقر پلیس هدایت میشوند. ولی این جابجایی

کلمات چیزی را عوض نمی‌کند. چون اساساً هر کسی به هر اتهامی توسط پلیس جلب می‌شود نامش هرچه باشد هدایت و توجیه نیست. مصداق بارز آنهم رفتاری است که با مهسا امینی داشتند. به نظر می‌رسد تمرکز بیش از اندازه بر بخشهایی مانند حجاب و برخی مناسک با نمود بیرونی صرفاً با هدف پاک کردن صورت مسئله و عدم توجه کافی به مواردی مانند حیف و میل اموال ملت، دروغگویی و وعده‌های ناراست مسئولان، سوء مدیریت‌های کمرشکن، بی‌توجهی به معیشت مردم در سیاست‌های داخلی و خارجی و توجیه تمامی بی‌کفایتی‌های حاکمیت است که منجر به چنین جنایات بی‌سابقه‌ای می‌شود.

اکنون وقت آنست که نهادهای انتظامی، نظامی، امنیتی و قضایی به جای توجیه این رفتارهای وقیحانه به این پرسش‌ها پاسخ بدهند که: مو و روسری زنان و دختران اولویت کاری آنهاست یا فسادها و بلاهایی که فرادستان بر سر مردم و مملکت می‌آورند؟ آنها باید پاسخ دهند که چه برخوردی با دزدان حکومتی چهل هزاری و نود هزار میلیاردی داشته‌اند؟ یا چه تنبیهی بر مسئولان بی‌کفایتی که این همه تبعیض، فقر، جنایت، بی‌اخلاقی و ناامیدی را در جامعه گسترانده‌اند اعمال نموده‌اند؟ آنها باید دقیقاً توضیح دهند که موهای مهسا امینی (دختری که از کردستان برای چند روز مهمان پایتخت شده بود) چه مشکلی برای مملکت ایجاد کرده بود و کشتن او کدامین درد را درمان کرد؟ اگر نمایان شدن موی دختران آنقدر برای بشریت خطرناک است چرا فرزندان خارج‌نشین مسولان مدعی تدین حتی اندک پوشش مرسوم جوامع غربی را هم بر نمی‌تابند و بی‌شرمانه به برهنگی خود افتخار می‌کنند و پدران‌شان همچنان بر مسند قدرت باقی مانده‌اند؟ مسئولانی که قتل جورج فلویید توسط پلیس آمریکا را جنایت علیه بشریت قلمداد می‌کردند و خیابانی را به اسمش نام‌گذاری کردند، چه نظر و موضعی در مورد کشته شدن مهسا امینی دارند؟ حال که روح و احساسات ملتی به خاطر مرگ دختری بیگناه زخم برداشته است، ضرورت دارد که نهادهای مسئول و سایر مقامات ارشد کشوری رسماً از خانواده مهسا و همه شهروندان عذرخواهی کنند، آمران و مجریان این جنایت محاکمه و مجازات شوند و در نهایت اصلاحات اساسی در نگرش و رفتار نهادهای دولتی نسبت به شهروندان ایجاد شود به نحوی که آزادی و کرامت انسانها بیش از این دستخوش رفتارهای سلیقه‌ای، کینه‌توزانه و نابخردانه مجریان و ماموران دولتی نگردد. مجلس و نهادهای قضایی و نظارتی هم باید به عنوان مدعی‌العموم و نماینده مردم به این مسئله ورود کنند تا بیش از این شاهد مرگ مهساها نباشیم.

انجمن صنفی معلمان کوردستان ( سنندج کلاترزان ) ضمن



## در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری در شهریور ماه ۱۴۰۱

در حالی که نرخ تورم و رشد صعودی قیمت‌ها کمر طبقات فرودست را خم کرده است و شکم سیر و جیب‌های پُر پول آقازادگان خشم مردم را چنان فزونی بخشیده است که دشمنان نابکار ایران و ایرانی قصد سوء استفاده از ناراضی‌هایی را دارند، نابخردان سرکوب‌گر و ضد مردمی فشار مضاعف بر زنان ایران را رها نمی‌کنند و به خاطر آنکه موهای دختران لرزه بر عرش خدا می‌اندازند، دست به قتل شیرزنان می‌زنند و یکباره تمامی دغلكاران امپریالیست و صهیونیست و وابستگان جیره‌خوارشان با هیاهوی فراوان سعی می‌کنند تا از آب گل آلود ماهی بگیرند

ولی مردم و مبارزان پیشرو ایران می‌دانند که طبقه کارگر و فرودستان جامعه از دو سوی «داخل و خارج» مورد هجوم گرگان و کفتاران هستند و به خوبی می‌دانند که مبارزه کور بی‌برنامه و بدون رهبری، بدون تشکل آگاه و قوی تحت هدایت طبقه کارگر متشکل، به نتیجه نمی‌رسد و ره به ترکستان خواهد بُرد.

در شهریور مبارزات کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان ادامه یافت که در ذیل بخشی از رخدادهای مبارزاتی را می‌آوریم.

### سرکوب و مقاومت

#### ۴ شهریور

پیکر سایه از تهران و از کنار درخت ارغوان تشییع شد تا فردا در زادگاه‌اش به خاک سپرده شود.

گل زرد و گل زرد و گل زرد / بیا با هم بخوانیم از غم و درد  
عنان تا در کف نامردمان است / ستم با مرد خواهد کرد نامرد

محکومیت شدید این جنایت، ابراز انزجار شدید از مسببان آن و همدردی با خانواده داغدار مهسا از نمایندگان استان کردستان در مجلس، استاندار کردستان و فرماندار سقز می‌خواهد که مسئله را با جدیت پیگیری نموده و گزارش اقدامات خود را برای مردم کردستان و شهرستان سقز بیان کنند.»

### بیانیه سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران در رابطه با قتل «مهسا امینی» و حوادث اخیر:

«خشم عمومی نسبت به جانباختن دختری از فرزندان ایران، که می‌توانست با تدبیر و شفاف‌سازی در مسیری درست قرار گیرد، امروز به اعتراضی عمومی به بی‌تدبیری همه دست‌اندرکاران این موضوع تبدیل گشته است. به گزارش صدا و سیما تاکنون ۱۷ نفر در اعتراضات اخیر از نظامی و غیرنظامی جان باخته‌اند و بی‌تردید عده زیادی نیز دستگیر و هزاران پرونده نیز برای افراد گشوده شده خواهد شد.

اعتراضات مردم تنها به مرگ یکی از فرزندان خود نیست، چرا که هر روزه فرزندان ایران از فقر، فحشا و بی‌داری می‌میرند از کولبر و کودک کار گرفته تا حوادث کار، که تدبیری برای این موضوعات اتخاذ نشده است.

خشم متراکم مردم، از تدابیر ضد مردمی، که بیش از ۴۰ سال توان معیشتی مردم را گرفته و در جراحی اقتصادی امسال ۴ برابر قدرت خرید مردم را نشانه رفته است، نشأت می‌گیرد. سالها رانت‌خواری و کارخانه تولید آقازاده‌های فاسد و اختلاس‌های هر روزه که از جیب مردم به سرقت می‌رود، باعث این خشم عمومی گشته است.

نسبت دادن این خشم عمومی به خارج از ایران نشانه کامل به انحراف بردن موضوع و بی‌تدبیری مسوولان کشور است. بیکاری، فقر، گرانی هر روزه، فحشا، روند صعودی دزدی آن هم در پیش چشم همگان، افزایش خودکشی در میان نوجوانان و رکورد زدن افزایشی اختلاس‌ها در کنار عیاشی عده‌ای آقازاده و یا کسانی که سرزده بر سر سفره انقلاب آمده و این سفره را ملک خود می‌دانند و مجوز هر غلطي را برای خانواده خود مجاز می‌دانند، باعث این خشم عمومی است. احتیاجی نیست از بیرون مرزها کسی برای تحریک مردم به داخل بیاید چون در هر مغازه‌ای این تحریک با مشاهده گرانی‌ها صورت می‌گیرد.

این خشم نه با کشتار، نه با سرکوب و زندانی کردن شهروندان، نه با پلیس‌های نقاب به چهره زده خاموشی نخواهد گرفت. آزادی و عدالت تنها راهکاری است که می‌بایست در پیش گرفته شود.» / ۳۱ شهریور ماه ۱۴۰۱\*

**۶ شهریور**

روح‌الله (رادا) مردانی، به اتهام واهی «تبلیغ علیه نظام» به ۶ ماه حبس محکوم شد. این حکم تا ۴ سال به حالت تعلیق درآمده است. این در حالی است که «رادا مردانی» پیش‌تر با همین اتهام در شعبه یک دادسرای عمومی و انقلاب شعبه یک کرج منع تعقیب گرفته بود.

**۸ شهریور**

چهار تن از فعالین صنفی معلمان کردستان-دیواندره به نام‌های «امید شاه‌محمدی»، «پرویز احسنی»، «کاوه محمدزاده» و «هوا قریشی» با تودیع قرار وثیقه یک میلیارد تومان برای هر یک از آنان، موقتا و تا زمان پایان مراحل دادرسی از بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج آزاد شدند. این چهار فعال صنفی معلمان کردستان روز چهارشنبه ۲۵ خردادماه امسال، توسط نیروهای امنیتی در دیواندره بازداشت و جهت انجام مراحل بازجویی به بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج منتقل شده بودند.

**۹ شهریور**

«آرش گنجی»، مترجم و عضو کانون نویسندگان ایران، به واحد اجرای احکام زندان اوین احضار شد. او ساعتی پس از این احضار، بدون دلیل موجه از بند ۸ به زندانی خارج از حوزه اقامتی خود و خانواده‌اش منتقل شد. این انتقال، که به دنبال پرونده‌سازی‌های اخیر علیه «آرش گنجی» صورت گرفته، اعتراض زندانیان بند ۸ را نیز در پی داشت. کانون نویسندگان ایران با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام داشت: «انتقال آرش گنجی و پرونده‌سازی‌هایی از این دست را در راستای افزایش فشار بر او و سایر زندانیان سیاسی می‌دانند؛ زندانیانی که حتی صدور و اجرای حکم حبس‌شان نیز بر پرونده‌سازی استوار بوده است». قرار بازداشت «رضا شهابی» علی‌رغم وخامت شدید جسمانی وی برای چهارمین ماه، تمدید و ابلاغ شد. سندیکای کارگران شرکت واحد با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام داشت: «سندیکای کارگران شرکت واحد تداوم بازداشت اعضای خود، رضا شهابی و حسن سعیدی، را نقض کامل قوانین کشوری و استانداردهای بین‌المللی کار و مقابله‌نامه‌های بین‌المللی، که دولت جمهوری اسلامی نیز موظف به رعایت آنها می‌باشد، می‌داند و به شدت آن را محکوم می‌کند. چند ماه است که خانواده‌های شهابی و سعیدی زندگی‌شان کاملا مختل شده است و در نگرانی و بلا تکلیفی کامل به‌سر می‌برند. تداوم بازداشت این فعالین کارگری و دیگر معلمان و کارگران بازداشتی ظلمی است آشکار، که باید فوری متوقف گردد و این عزیزان آزاد شوند».

**۱۵ شهریور**

مقامات قضایی با آزادی موقت، با قید وثیقه، «جعفر ابراهیمی»، بازرس شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان، مخالفت کردند. شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران، ضمن اعتراض به ادامه بازداشت غیرقانونی «جعفر ابراهیمی»، با

انتشار اطلاعیه‌ای اعلام داشت: «هر نوع برخورد قهری با فعالان صنفی را اقدامی غیرقانونی می‌داند و خواهان آزادی بی قید و شرط آقای ابراهیمی و تمامی فعالین صنفی دربند می‌باشد».

**۱۶ شهریور**

«فرامرز سدهی» به اتهام واهی «عضویت در گروه‌های معاند نظام به قصد فعالیت تبلیغی علیه نظام» با مصداق «عضویت در گروه معاند و غیرقانونی کانون نویسندگان ایران» به ۲ سال و ۷ ماه و ۱۶ روز حبس تعزیری و به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام از طریق طبع و نشر کتاب» به ۷ ماه و ۱۶ روز حبس تعزیری محکوم شد. کانون نویسندگان ایران با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام داشت: «... بی‌شک پرونده‌سازی برای فرامرز سدهی، احکام صادر شده علیه او و جرم‌انگاری عضویتش در کانون نویسندگان ایران، چیزی جز ادامه‌ی سرکوب گسترده‌ی آزادی بیان، نشر و اندیشه به دست حاکمیت نیست. این فشارها و آزارها در شرایطی ادامه دارد که اکنون چهار عضو دیگر کانون نویسندگان ایران، رضا خندان (مهابادی)، آرش گنجی، علیرضا ثقفی و کیوان مهتدی نیز کماکان در زندان محبوس‌اند».

**۲۵ شهریور**

کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای سرکوب نظام‌مند زنان و قتل «مهسا (ژینا) امینی» را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «... چرخه‌ی سرکوب زنان در ۴۴ سال گذشته هر بار به شکلی به گردش درآمده و جان و زندگی و سرنوشت زنان را در چرخ‌دنده‌های خود خرد کرده است. اکنون دیگر این سرکوب نظام‌مند پشت ترکیب‌هایی همچون «به‌طور ناگهانی» و «عارضه‌ی قلبی» پنهان نمی‌ماند. اختناق مستمر، تجربه‌ی هر روزی زنان است. قتل مهسا امینی، نمونه‌ای آشکار شده از سرکوبی تمام‌عیار است که سال‌ها زیر سایه‌ی حاکمیت زن‌ستیز در جریان بوده است. نخستین بار نیست که حق انتخاب پوشش، که حقی مسلم و بدیهی است، به مرگ زنی انجامیده است؛ زنی جوان که روزی «عادی» را در این سرزمین سپری می‌کرده است. کانون نویسندگان ایران ضمن دفاع از حق انتخاب پوشش، قتل مهسا (ژینا) امینی را محکوم می‌کند و خواهان توقف سرکوب نظام‌مند زنان است.

**۲۶ شهریور**

«سپیده قلیان»، فعال کارگری و از مدافعان مبارزات کارگران هفت تپه، محبوس در زندان، که از ۱۸ شهریورماه در اعتراض به بلا تکلیفی خود و برای انتقال به شهرستان محل زندگی‌اش، دست به اعتصاب غذا زده بود و به بیمارستان طالقانی منتقل شده بود، وضعیت جسمانی نگران‌کننده‌ای دارد. کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

«مسعود فرهیخته»، فعال صنفی معلمان به اتهام واهی «اخلال در نظم و آسایش عمومی» به یکسال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم کردن رأی صادر شده علیه «مسعود فرهیخته»، اعلام داشت: «انتظار دارد در آستانه‌ی مهر و بازگشایی مدارس

و ۵ اکتبر روز جهانی معلم، دادگاه تجدید نظر با شکستن این حکم و تبرئه این فعال خوشنام صنفی، امید و نشاط را در بدنه‌ی فعالان صنفی فراهم آورد.»

### ۲۹ شهریور

سندی‌کای کارگران نیشکر هفت‌تپه در محکومیت قتل «ژینا امینی» بیانیه‌ای منتشر ساخت. در این بیانیه آمده است: «... سندی‌کای کارگران نیشکر هفت‌تپه به خانواده مهسا امینی تسلیت گفته و خود را شریک از دست دادن فرزند دلیند آنها می‌داند. سندی‌کای کارگران نیشکر هفت‌تپه به قتل رساندن ژینا امینی را محکوم کرده و خواستار شناسایی، معرفی و مجازات عاملان و آمران این جنایت بوده و خواستار لغو تمام قوانین ضد زن می‌باشد.»

### ۳۰ شهریور

نیروهای امنیتی به منزل «رضا شریفه»، معلم بازنشسته، حمله کرده و ایشان را بازداشت کرده‌اند. لازم به ذکر است که شرایط جسمی نامبرده مناسب نبوده و در بستر بیماری بوده است.

### ۳۱ شهریور

سندی‌کای کارگران فلز کار مکانیک ایران با انتشار اطلاعیه‌ای سرکوب معترضین به قتل «مهسا امینی» را محکوم ساخت. در این اطلاعیه آمده است: «... خشم متراکم مردم، از تدابیر ضد مردمی، که بیش از ۴۰ سال توان معیشتی مردم را گرفته و در جراحی اقتصادی امسال ۴ برابر قدرت خرید مردم را نشانه رفته است، نشأت می‌گیرد. سال‌ها رانت‌خواری و کارخانه تولید آقازاده‌های فاسد و اختلاس‌های هر روزه، که از جیب مردم به سرقت می‌رود، باعث این خشم عمومی گشته است. «این خشم نه با کشتار، نه با سرکوب و زندانی کردن شهروندان، نه با پلیس‌های نقاب به چهره زده خاموشی نخواهد گرفت. آزادی و عدالت تنها راهکاری است که می‌بایست درپیش گرفته شود.»

## فرهنگیان

### ۱ شهریور

اتحادیه معلمان استان کبک کانادا در نامه‌ای اعتراضی، حمایت خود را از معلمان و تشکلات کارگری مستقل اعلام داشت.

### ۸ شهریور

شماری از نیروهای خدماتی، که دارای تحصیلات دانشگاهی هستند، مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش در تهران برای تغییر رسته از خدمات به آموزشی دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارکنان نسبت به تبعیض در پرداخت حقوق‌شان در مقایسه با نیروهای آموزشی و اداری معترض هستند. آنها همچنین خواستار تغییر رسته شغلی خود از حوزه خدماتی به بخش اداری و آموزشی شدند.

### ۱۵ شهریور

جمعی از سرایداران و خدمت‌گزاران مدارس خوزستان، در

اعتراض به اعمال تبعیض و عدم اجرای رتبه‌بندی، مقابل اداره کل آموزش و پرورش خوزستان در اهواز دست به تجمع زدند. آنها خواهان افزایش حقوق و مزایای دریافتی، تغییر رسته شغلی، اجرای رتبه‌بندی و اختصاص فوق‌العاده ویژه هستند.

### ۲۵ شهریور

انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز و زیوی) در محکوم کردن مرگ آفرینی‌های اخیر بیانیه‌ای منتشر ساخت که در آن آمده است: «... انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز و زیوی)، ضمن محکوم کردن شدید این جنایت‌ها، و همچنین جنایت زرین‌دشت فارس، به قوه قضائی، به مجلس و دولت، موکدا یادآور می‌شود که در کم‌ترین زمان ممکن با رسیدگی فوری به این پرونده‌ها، آمران و عاملان را شناسایی و در دادگاه‌های علنی محاکمه کنند. خواست‌های این انجمن، همچون سایر مردم حق‌طلب و آزاداندیش، اشد مجازات قاتلان بوده و هشدار می‌دهیم تا زمانی که امنیت ایجاد شده برای جانیان، بر اساس قانون به ناامنی تبدیل نشود - تا زنان و دختران و جوانانمان بیش‌تر از این قربانی سیاست‌های غلط نشوند - سایه شوم جنایات مرگ‌آفرین همچنان بر این سرزمین گسترده خواهد بود و اگر مردم داغدار از اقدام حاکمیت مبنی بر ستاندن حق مظلومان ناامید گردند، بدون شک آتش انتقام همهی داغداران را فرا گرفته و خشونت در ابعادی بسیار وسیع‌تر از اکنون، جامعه را دربر خواهد گرفت.»

### ۲۶ شهریور

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در محکومیت قتل دختر بی‌گناه ایران «مهسا امینی» بیانیه‌ای منتشر ساخت که در آن آمده است: «... شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن ابراز همدردی با خانواده و بازماندگان مرحوم ژینا (مهسا) امینی، مردم شریف ایران و کردستان خواهان اجرای نص صریح قانون و عدالت در مورد آمران و عاملان این جنایت هولناک بوده و از دستگاه قضایی و نهادهای حاکمیتی انتظار دارد اجازه ندهند قانون‌گریزان و خاطیان این پرونده همچون موارد مشابه در امان باشند. همچنین این شورا خواهان برجیده شدن نهادهای بی‌خاصیتی همچون گشت ارشاد (ارتجاع) بوده چرا که اعتقاد دارد این نهادها کارکردی جز نقض حقوق بشر و کاشتن تخم کین و نفاق در تار و پود جامعه نداشته و صرفاً بستری برای سو استفاده‌ی تمامیت خواهان و قدرت‌طلبان است.»

### ۳۱ شهریور

کانون صنفی فرهنگیان بیجار گروس - کردستان بیانیه‌ای در رابطه با بازگشایی مدارس منتشر ساخت که در آن آمده است: «... کانون صنفی فرهنگیان بیجار گروس با توجه به فصل بازگشایی مدارس، ضمن درخواست آزادی این همکاران برجسته و برخاسته از خطه‌ی هنرپرور گروس، خواهان آزادی بی‌قید و شرط دیگر بازداشت‌شدگان، از جمله خانم قلیچ‌خانی و همچنین آقای محمدرضا نصرتی و همسر گرانقدرشان خانم

کردند. این کارگران دو ماه است که با تعطیلی کارخانه، اخراج و بیکار شده‌اند و تاکنون هیچ حکمی برای آنها صادر نشده است. لازم به ذکر است که این کارگران چند ماه حقوق پرداخت نشده نیز دارند.

کارگران پروژه‌های مخازن کروی ماهشهر به پیمانکاری کیوانی در اعتراض به عقب افتادن حقوق‌ها از مرداد تاکنون و پرداخت ۳ مرحله‌ای حقوق تیرماه، در محوطه شرکت دست به اعتصاب زدند. کارگران می‌گویند: «وضعیت افتضاح غذا و خوابگاه و تایم زیاد کاری و پرداخت نکردن به موقع حقوق» عامل اصلی این اعتصاب می‌باشد

### شرکت واحد

#### ۳ شهریور

سندیکای کارگران شرکت واحد با انتشار بیانیه‌ای پرونده‌سازی برای فعالین صنفی را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «... رضا شهابی و حسن سعیدی با پرونده‌سازی وزارت اطلاعات برای تعدادی از فعالین شناخته شده کارگران و معلمان همراه با نمایش سناریوسازی صدا و سیما به دنبال روز جهانی کارگر بازداشت شدند. پس از بیش از دو ماه انفرادی و بازجویی، در روزهای گذشته، ریحانه انصاری نژاد، اسکندر لطفی، آنیسا اسداللهی، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه با قید وثیقه سنگین بطور موقت آزاد شده‌اند، و رضا شهابی، حسن سعیدی، کیوان مهتدی، رسول بدایقی، جعفر ابراهیمی و محمد حبیبی کماکان در حبس هستند. طبق گزارش شورای هماهنگی تشکل‌های فرهنگی ایران، معلم زندانی رسول بدایقی همچنان در انفرادی و تحت بازجویی در زندان اوین است. رضا شهابی و واله زمانی از فعالین کارگری نیز هنوز به بند عمومی منتقل نشده‌اند و در وضعیت بلا تکلیفی به سر می‌برند. سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن محکوم کردن پرونده‌سازی وزارت اطلاعات برای فعالین کارگری و معلمان و بازداشت و حبس آنان، خواستار آزادی بی قید و شرط دو عضو زندانی سندیکا و دیگر بازداشتی‌های این پرونده‌سازی‌های نخبه‌ها و تکراری است.»

#### ۳۱ شهریور

سندیکای کارگران شرکت واحد با انتشار بیانیه‌ای حمایت خود را از مبارزات و اعتراضات سراسری مردم اعلام داشت. در این بیانیه آمده است: «... سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بار دیگر قتل فجیع مهسا امینی و سرکوب خونین معترضین به این جنایت آشکار را، که دنیا را تکان داد، قویا محکوم می‌کند. سرکوب باید فوری متوقف گردد. کلیه بازداشت‌شدگان باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند، اعتراض و اعتصاب و دادخواهی حق بلامنازع مردم سراسر کشور است و حاکمیت بداند که دیگر سرکوب و دسیسه و سناریوسازی‌های دروغین راه به جایی نخواهند برد و امواج سهمگین اعتراضات و اعتصابات سراسری به حق تمامی

کاوند، از شهروندان خوش نام بیچار می‌باشد و بر این باور است که فرهنگ والای مردمان این شهر همواره بر مدار مدنیت و مسالمت و مدارا بوده است.»

### نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاه‌ها

#### ۱ شهریور

کارگران پروژه‌های «ستاره تراز» در پتروشیمی بوشهر سایت ۱، دست به اعتصاب زده و در محوطه پروژه بست نشستند. این کارگران سه ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده‌اند.

#### ۴ شهریور

کارگران شرکت آبادراهان عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه‌شان دست به اعتصاب زدند و درب ورودی شرکت را بستند. کارگران از اردیبهشت‌ماه تا کنون، حقوق دریافت نکرده‌اند و به دلیل عدم پرداخت معوقات و ندادن لیست بیمه این ماه‌ها به تامین اجتماعی با معضلات معیشتی و درمانی مواجه شده‌اند.

#### ۱۲ شهریور

کارمندان رسمی صنعت نفت در اعتراض به عدم تحقق مطالبات‌شان در واحدهای عملیاتی و مقابل ساختمان وزارت نفت تجمع اعتراضی برگزار کردند.

این تجمع‌ها طبق فراخوان از پیش اعلام شده برگزار شد. اعتراض کارمندان رسمی صنعت نفت از ۲۰ مرداد ۱۴۰۱ آغاز شده و قرار بود اگر مقامات وزارت نفت به خواسته‌های آنها رسیدگی نکردند از ابتدای شهریور به تهران بیایند. نیروهای امنیتی با حضور در مقابل ساختمان وزارت نفت تلاش کردند که از برگزاری تجمع جلوگیری کنند. بر اساس گزارشات «کانال افکار نفت» ۶۷ نفر از تجمع‌کنندگان بازداشت شدند که از ساعت ۱۴ به مرور آزاد شدند. خواسته اصلی کارمندان رسمی صنعت نفت اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف کارمندان وزارت نفت است. این قانون، کارکنان بخش عملیات وزارت نفت را از چارچوب قانون خدمات مدیریت کشوری مستثنی می‌کند. همچنین کارکنان رسمی ضمن اجرای فوری این قانون، خواستار پرداخت کل حقوق معوقه‌ی ناشی از اجرای ماده ۱۰ هستند.

کارکنان رسمی عملیاتی شاغل در سکویهای گازی پارس جنوبی در همراهی با همکاران‌شان با در دست گرفتن پلاکارد و کاغذنوشته‌هایی نسبت به عدم تحقق مطالبات‌شان دست به اعتراض زدند.

#### ۲۰ شهریور

کارگران پروژه‌های شاغل در پتروشیمی دنا «فاز دو»، واقع در عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد دو ماه «تیر و مرداد» دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

#### ۲۷ شهریور

کارگران شرکت نفت و گاز سیه‌فام در اعتراض به اخراج و بلا تکلیفی‌شان مقابل استانداری هرمزگان در بندرعباس تجمع

سرکوب گران را با خود خواهد برد».

## کارگران دیگر

### ۱ شهریور

جمعی از کارگران اخراج شده شرکت روغن نباتی جهان در اعتراض به اخراج شان برای دومین روز متوالی مقابل شرکت و سپس مقابل ساختمان استانداری زنجان دست به تجمع زدند. ۷۳ تن از کارگران روغن نباتی جهان با طرح شکایتی در اداره کار خواستار بازگشت به کار، پیگیری مطالبات معوقه خود و برقراری مقرری بیمه بیکاری شدند.

### ۱۴ شهریور

کارگران شهرداری قلعه‌رئسی در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق دست به اعتصاب زدند. آن‌ها با حضور در دفتر امام جمعه قلعه‌رئسی اعتراض خود را ادامه داده و خواستار پیگیری حقوق خود شدند.

### ۱۵ شهریور

کارگران کیان تایر برای سومین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و مطالبات معوقه و همچنین خواسته «روشن شدن وضعیت مالکیت شرکت» دست به تجمع و اعتصاب زدند.

### ۱۹ شهریور

مبارزات صنفی کارگران شهرداری خرمشهر برای مطالبات معوقه مزدی خود، که طی ماه‌های گذشته چندین بار مقابل ساختمان شهرداری و سایر نهادهای دولتی دست به اعتراض صنفی زده بودند، به پیروزی منجر شد. از قرار معلوم بنا به گفته سرپرست شهرداری این مطالبات پرداخت شده است. به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی شهرداری خرمشهر، «امید کوتیان‌نژاد» گفت: تمامی حقوق معوقه کارکنان شهرداری خرمشهر پرداخت و به روز شده است.

\*\*\*

رهرو آن نیست که گهی تند و گهی خسته رود

رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

سعیدی

مبارزه برای رسیدن به زندگی شایسته و انسانی از مسیری صاف و صیقلی و مستقیم پیش نمی‌رود؛ مبارزه سخت است و در راهی پر خطر و سنگلاخ به پیش می‌رود؛ طولانی است و نیاز به صبر و مقاومت و البته آگاهی و تشکل دارد. تمامی اقشار و طبقات زیرین جامعه، تمامی زحمتکشان می‌بایست تحت رهبری طبقه کارگر متشکل، حزب طبقه کارگر قرار گیرند تا به سرمنزل مقصود برسیم. از شتاب‌زدگی می‌بایست پرهیز کرد و با بردباری قدم برداشت. \*



## سخنی درباره افزایش اعدام و «مبارزه با گسترش جرائم مرتبط با مواد مخدر»

### مواد مخدر

طبق گزارشات و اخبار منتشره داخلی و خارجی این روزها اعدام زندانیان جرایم مواد مخدر از خردادماه سال جاری به شدت افزایش یافته است. با توجه به عدم اطلاع‌رسانی دستگاه قضایی در رابطه با دلایل اعدام‌های پُر تعداد هفتگی در ایران، موجی از التهاب و نگرانی در بین زندانیان و خانواده‌های آنان برافراشته است. در روزهای اخیر خانواده‌های زندانیان در اقدامی خودجوش به صورت کم سابقه‌ای دست به برگزاری سلسله تجمعاتی در شهرهای مختلف از جمله تهران و کرج زده‌اند. با جهش اجرای حکم اعدام به ۹۹ نفر در خردادماه، که حدود ۴ برابر ماه قبل آن محسوب می‌شود و سپس تداوم تعداد بالای اجرای احکام اعدام در ماه‌های بعد تاکنون، فضای پرتلاطمی در میان رعب و وحشت بر زندان‌ها، بخصوص اماکن نگهداری زندانیان محکوم به اعدام، غالب شده است. تداوم اجرای احکام اعدام در تابستان ۱۴۰۱ در حالی است که «جعفری دولت آبادی»، دادستان پیشین تهران در سال ۱۳۹۶ از اصلاح قانون مبارزه با جرایم مواد مخدر خبر داده و وعده کاهش صدور و اجرای احکام اعدام را داده بود. گرچه بنابر آمار منتشر شده سالانه توسط مرکز آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، اجرای احکام اعدام در خصوص جرائم مرتبط با مواد مخدر با کاهش رو به رو بوده، اما تداوم آن و تنها اجرای دستکم ۱۳۰ مورد در کمتر از شش حاکمی از شرایط نگران کننده‌ای است. بر اساس گزارش سالانه مرکز آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در بازه زمانی (اول ژانویه ۲۰۲۱ تا ۲۰ دسامبر ۲۰۲۱) دستکم ۲۹۹ شهروند اعدام شدند و ۸۵ تن دیگر به اعدام محکوم شدند. از جمله اعدام شدگان باید به اعدام ۴ کودک-مجرم اشاره کرد. بنابر همین گزارش بیش از ۸۸ درصد اعدام‌های صورت گرفته در ایران توسط دولت یا نهاد قضایی اطلاع‌رسانی نمی‌شوند که نهادهای حقوق بشری اصطلاحاً آن را اعدام «مخفیانه» می‌خوانند. «محمد رضا فتحی»، استاد دانشکده مدیریت پردیس فارابی، قاضی دادگستری آزمون دکتری رتبه چهار حقوق خصوصی ۱۴۰۱ درباره سیاست غلط در برخورد با مجرمان مواد مخدر و فقدان درک ریشه‌ای از چنین پدیده‌ای، به درستی اشاره می‌کند:-



## مرگ «ملکه الیزابت» و واکنش‌های متفاوت در جهان

«ملکه الیزابت» نمادی از بقایای استبداد قرون وسطایی، یادگار باشکوه سلسله مراتب و غارت و جنگ و خون‌ریزی و استعمار کهن در گذشت. «جیمز کانولی»، سوسیالیست ایرلندی، در سال ۱۹۱۱ در مورد خاندان سلطنتی بریتانیا نوشت:

«خانواده‌های سلطنتی برای مستبدان جامعه، سرمایه‌داران و صاحب‌خانه‌ها مفید هستند، نه برای طبقه کارگر».

بی بی سی فارسی از عصر دیروز در عزای ملکه خود نشسته و «عزای عمومی» اعلام کرده است!

نکته جالب بسته‌بودن کامنت‌گذاری در صفحه اینستاگرام بی بی سی فارسی است. در این صفحه اگر در ایران سیل و زلزله بیاید، اگر انتخابات و شورش و هر چیز، حتا کوچکی رخ دهد، به اصل مقدس «آزادی بیان» آنها خدش‌های وارد نمی‌شود و همه آزادانه می‌توانند فحاشی کنند و از غرب بخواهند در ایران مداخله نظامی و رژیم آخوندی را به قیمت ویرانیه کردن ایران سرنگون کنند. تریبون بی بی سی برای خودفروختگانی، نظیر «معصومه قمی کلاها» و اراذل و اوباش پهلوی باز است و هر چه دل تنگ‌شان بخواهد، می‌گویند، اما یک خط قرمز بزرگ وجود دارد و آن تقدس خاندان پادشاهی بریتانیا است.

واکنش میلیاردها نفر از مردم جهان، که تحت سلطه استعمار بریتانیا بودند، میلیون‌ها کشته دادند و به خاک سیاه نشستند، نسبت به مرگ «ملکه الیزابت»، به عنوان نمادی یکی از خونین‌ترین فصل‌های تاریخ استعمار در کشورشان، متفاوت است و نگاه‌شان به مرگ «ملکه» ۹۶ ساله انگلیس، این سمبل فساد و گندیدگی، از نوع دیگری است. این واکنش‌های متفاوت تظاهراتی از جهان متضادی است که در یک طرف میلیاردها

**یکم:** تنبیه و مجازات، آخرین راهکار کاهش جرم است نه اولین، به هر میزان و با هر کیفیت، نمی‌توان انتظار داشت که تمام بار کاهش جرم بر آخرین حلقه قرار گیرد.

**دوم:** نبود سیستم تامینی و نظارتی و آموزشی، برترین مجازات‌ها را بی‌اثر یا کم‌اثر می‌کند. کنترل مرزی ضعیف، پیش‌گیری متزلزل از توزیع، فقد سیستم آموزشی در خانواده و مدارس، مجازات را خنثی می‌سازد.

**سوم:** از اهداف کلاسیک مجازات، پیش‌گیری از تکرار جرم و ارباب مجرمان بالقوه است. مجازات اعدام جرایم مواد مخدر، گاهی اهداف اولیه خود را پوشش نمی‌دهد.

**چهارم:** اعدام، به عنوان سهمگین‌ترین مجازات، آثار مثبت و منفی، به روی مجرمین گوناگون دارد و نمی‌توان بر همه یک حکم راند. ممکن است بنا به دلایلی، یک فروشنده نوپا را ترغیب به قاچاق انبوه کند و ممکن است یک قاچاقچی را از عملش منصرف سازد. اظهار نظر در مورد آثار اعدام، بسیار بسیار موردیست و قضاوت کلی به نظر موجه نیست..

**پنجم:** تقریباً اعدام، به عنوان مجازات کارتل‌های مواد مخدر در نظر گرفته شده است نه همه گروه‌ها. پس باید آثار اصلی آنرا بر این گروه تحلیل کرد و آثار تبعی و جانبی را بر سایرین. چنانچه سجل کیفری متهم جدی در نظر گرفته شود، می‌توان از بسیاری اعدام‌ها پیشگیری کرد و مجازات‌های جایگزین نوین عرضه کرد.

**ششم:** قوانین مجازات ما در مجموع، در برابر سبقه اجتماعی و خانوادگی و خاستگاه شخصیتی و پیشینه کیفری مجرم، چندان انعطافی ندارد و بیش‌تر بر روی آثار مخرب جرم تمرکز دارد تا بهسازی مجرم.

با تفاسیر بالا، ضرورت دارد اولاً امر زیربنایی جهت کاهش تولید و توزیع و قاچاق و مصرف مواد مخدر صورت بگیرد تا آثاری بنیادین داشته باشد، ثانیاً سوژه مجازات جایگزین اعدام و کیفیت و میزان آن، به دقت مورد بررسی قرار بگیرد تا دچار کم‌قوتی مجازات نشود.

و ما اضافه می‌کنیم تا زمانی که وضعیت اقتصادی بیمار، بیکاری، گرسنگی و فقر در جامعه حاکم است، تا زمانی که باندهای تبهکار دانه درشت قاچاق و مواد مخدر سرخ‌شان در دست باندهای مافیایی صاحب قدرت هست، با اعدام این افراد، که اکثرشان از لایه‌های محروم و فقیر جامعه هستند، نمی‌توان از گسترش چنین ناهنجاری‌هایی ممانعت به عمل آورد. این قربانیان محصول نظام سیاسی ناعادلانه‌ای‌اند که فقط در سطح مانده است، درخت را می‌بینند، اما جنگل را نمی‌بینند؛ افق روشنی از فرایند مناسبات اجتماعی ندارد، تسکین موقت، ارباب و بازتولید جرم و تبهکاری و ادامه ناهنجاری‌های اجتماعی ماحصل این قضیه است و بس. مسبب این پدیده بیمار نظام حاکم است و نه مردم محروم، که قربانیان جامعه‌اند. اگر نیرویی قرار است اعدام شود، قبل از همه حاکمیت مستبد سرمایه‌داری اسلامی است و نه انسان‌های بیگناه، که خود محصول و قربانی این نظام دزد و فاسدند. \*



## جانباختن «مهسا امینی» و بازنگری دوباره به مسئله حجاب انحلال فوری «گشت ارشاد»

جانباخته «مهسا امینی» بار دیگر جامعه پُر جنب و جوش و متحول ایران را برای مطالبات عدالت خواهانه به تلاطم کشید. این دختر جوان به مانند هزاران زن دیگر مورد تعرض قانونی قرار گرفتند، که سالها قبل بدون اینکه در اینباره بحث و جدالی صورت پذیرد، به عنوان یک امر بدیهی از طرف عده قلیلی در مجلس به دلایل اقتصادی و یا دینی به تصویب رسید. در اینکه در جامعه ایران این قانون طرفدارانی دارد، شکی نیست، طرفدارانی که با وجود اعتراضات گسترده به این قانون در اصل و محتوای آن از سوی مخالفان آن از یکطرف و همچنین در نوع برخورد در مورد به اجرا گذاشتن آن از طرف دیگر همچنان سر خود را در برف فرو کرده و با تکیه بر اصل «شرع اسلام» لزومی به بحث در این زمینه را نمی بینند. بسیاری از این زنان محجبه در گفتگویی که با «علی علیزاده»، تحلیلگر سیاسی در برنامه «جدال» داشتند، بر این مسئله تاکید کردند که «مردم ایران در جریان انقلاب به حکم شرع رأی داده و قضیه همینجا به پایان می رسد». اما کسانی که در جریان انقلاب ایران هر روز در صف تظاهرات بر علیه رژیم استبدادی پهلوی در خیابان بودند، به خوبی بخاطر دارند که در آن زمان مسئله پوشش زنان در هیچکدام از خواسته های انقلابی آن زمان، که استقلال، آزادی، نان و کار بود، جایی نداشت. چرا که ایران سرزمینی با فرهنگی غنی و پربار است. ایران مجموعه ای از فرهنگ های مختلف است که با وجود رنگارنگ بودن سنت هایشان، نفس احترام متقابل به یکدیگر را آموخته و همواره در مقابل بی عدالتی، تعرض به حقوق انسانی سکوت نکرده و چشم هایشان را نبسته اند. تاریخ این سرزمین با ظهور اسلام بوجود نیامده است تاریخ این سرزمین را مردان و زنانی نوشتند که اعم از کشاورز و کارگر، صنعتگر و هنرمند همواره برای پیشرفت و آبادی این کشور کوشش کرده اند. زنان این سرزمین لباس ها و عادات و سنن خاص خود را داشته و در روستاهای مختلف با تنوع

انسان های زحمتکش و تحت ستم ایستاده اند و در طرف دیگر مشتی از سلاطین جنگ طلب سرمایه و استبداد و استعمار.

## گوشه هایی از جنایات بریتانیا در طول عمر «الیزابت دوم»

«یکم». در سال ۱۹۵۲ «چرچیل» استدلال کرد که ارتفاعات حاصل خیز کنیا باید به جمعیت سفیدپوست اختصاص یابد. از همین رو صدها هزار کنیایی را در اردوگاه های کار اجباری اسیر کردند. اسرای نافرمان زنده در آتش سوزانده، قطع عضو یا تیرباران می شدند. کنیایی ها از این فاجعه با عنوان هولوکاست آفریقا یاد می کنند.

دوم. بریتانیا در دوران «تونی بلر» به عراق حمله کرد و صدها هزار کشته و بیش از ۱ میلیون آواره به جا گذاشت. این حمله زمینه ساز تولد داعش گردید.

سوم. تصویر شاهزاده «هری»، نوه «الیزابت» را می بینید که در افغانستان شاد و خندان است. نیروهای او با هلیکوپترهای آپاچی و جت های جنگی هزاران بمب های ۵۰۰ پوندی را بر سر غیرنظامیان ریختند.

چهارم. بریتانیا جنگی را در یمن آغاز کرد که منجر به کشته شدن ۲۰۰ هزار نفر از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۰ گردید. امروز بریتانیا برای بمباران یمن توسط عربستان سعودی مشاوره می دهد.

پنجم. این تصویر چیزی است که از لیبی پس از ۶ ماه بمباران ناتو باقی مانده است. بریتانیا هزاران تروریست را تحت حمایت خود گرفت و نقشی مهم در ویران سازی توسعه یافته ترین کشور آفریقا ایفا کرد.

ششم. در سال ۱۹۵۳ بریتانیا به رهبری «چرچیل» دستور سرنگونی رهبر منتخب دموکراتیک گویان را صادر کرد. او نیروها و کشتی های جنگی را اعزام کرد و قانون اساسی آنها را به حالت تعلیق درآورد، تا طرح ملی شدن دولت ها را متوقف کند.

هفتم. در ۱۹ آگوست ۱۹۵۳، بریتانیا رهبری کودتایی را برعهده گرفت که دولت مصدق و اولین جوانه های دموکراسی در ایران را سرنگون کرد.

هشتم. بیش از ۸۰ هزار سرباز انگلیسی بین سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ برای کمک به ایالات متحده در کشتار ۴ میلیون انسان در کره مشارکت کردند.

نهم. انگلیسی ها بین سال های ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۰ برای غارتگری، در مالایا جنگی ویرانگر به راه انداختند. آن ها هم چنین به عنوان بخشی از «کمپین گرسنگی» خود، عامل نارنجی را روی محصولات غذایی اسپری کردند. آمریکا از همین روش در جنگ ویتنام بهره گرفت.»

(صدای ماهی سیاه) \*



برادران و همسران این مرز بوم نیست؟ آیا نمی‌بینید که دشمنان دیرین استقلال ایران دوباره خیز برداشته و بار دیگر جرثومه‌های مرگ و نابودی انسان‌ها را بمانند «معصومه علی‌نژاد»، «فرح دیبا» و عناصر داخلی جاده صاف کن آنها به مانند «فائزه هاشمی» به میدان فرستاده‌اند. این جماعت، که در خانه‌های گرم و مجلل خود نشسته‌اند و لحظه‌ای از فریب‌دادن و دادن آدرس غلط به مردم ایران دریغ نمی‌کنند، از مرگ دختر جوانی سوءاستفاده کرده و در انتظار فرصت مناسبی هستند تا ایران را به مانند لیبی و سوریه به برادر کشی و جنگ داخلی سوق دهند. این لاشخورها تلاش می‌کنند از خواسته برحق مردم برای نقشه‌های شوم خود، که تنها ویرانی و تجزیه ایران و نابودی زیرساخت‌های کشور را به همراه دارد، بهره‌برداری کنند. «معصومه علی‌نژاد» بی‌شرمانه در ازای هر کشته در ایران جشن می‌گیرد و تقاضای دریافت دلارهای بیش‌تری از اربابان‌اش می‌کند. هر چه کشته بیش‌تر، بهتر. رسیدگی به چگونگی قتل «مهسا امینی»، پایان کار گشت ارشاد و شروع به بحث در مورد حق انتخاب پوشش و تجدیدنظر در مورد این قانون زن‌ستیز و ارتجاعی و سرانجام برای به رسمیت شناختن انتخاب پوشش خواسته فوری جامعه ایران است. هرگونه تعللی در اینباره تنها به نفع دشمنان ایران است. چه آنهایی که این روزها آگاهانه برای یک جنگ داخلی عربده سرداده‌اند و یا کسانی که از سر دلسوزی برای مردم ایران به نوعی شرمگینانه برای کشاندن مردم به خیابان ولی در عمل برای آماده کردن آنها برای شروع یک جنگ داخلی تلاش می‌کنند.

برگزاری اجتماعات آزاد و حق اعتراض، مطبوعات و تلویزیونی که صدای اعتراضات مردم را منعکس کند، تمامی خواسته‌هایی هستند که مردم ایران برایش انقلاب کردند و از جان خود برایش هزینه داده‌اند. این حقوق به آنها هدیه نشده و تمامی دولت‌ها موظف به اجرای این حقوق‌اند. در این لحظه دشوار تاریخی تنها با تکیه بر عقلانیت و پافشاری می‌توان برای رسیدن به خواسته‌های برحق کار را به جلو برد و نه با نفرت و انتقام‌کور. رسیدگی به چگونگی جانباختن «مهسا امینی» و محکومیت و مجازات عاملان آن، پایان‌دادن به آزار و اذیت و تحقیر زنان به اصطلاح «بدحجاب»، آزادی حق انتخاب پوشش، آزادی زندانیان سیاسی، که تنها به جرم دگراندیشی در زندان‌اند، دستگیری دزدان واقعی، که پول بیت‌المال را به خارج می‌آورند، رفع تبعض در مدرسه و آموزش و رسیدگی به صدها معضلات دیگر مطالبات مردمی است که تاکنون با متانت و مصمم در پای دیار پر غرور و با افتخار ایستاده‌اند، سینه سپر کردند و سر در مقابل بیگانگان و بی‌عدالتی‌ها خم نکردند. مردم غیور ایران دشمنانش را، «معصومه» ها، «فرح» ها را به زباله‌دان تاریخ پرت می‌کند. به یاد بیاوریم این جمله هوشمند را «دولت‌های مختلف می‌آیند و می‌روند، ملت سربلند ما همیشه خواهد ماند». مردم ایران و در رأس‌اش زنان مبارز ایران با جان‌باختن «مهسا» ها و هر آنچه در خلال این چهار دهه بر زنان و مردان ایران گذشت، زیر بار ارگان سرکوب و اختناق کمیت «گشت ارشاد» نمی‌روند، برای انحلال آن و لغو حجاب اجباری به نبردشان علیه هرگونه تبعیض و نابرابری در جامعه ادامه می‌دهند.\*

در رنگ این لباس‌ها هنر پوشش را به زیباترین اشکال آن نشان می‌دهند. بنابر این همچنانکه خواسته زنان محجبه برای پوشش موی خود قابل احترام است، حق انتخاب زنان بدون حجاب هم می‌باید مورد احترام بخش دیگر جامعه باشد. دیرزمانی است که این زنان سعی کرده‌اند صدای خود را به گوش قانون‌گذاران دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی برسانند. اما گویی یکی بیش‌تر از دیگری گوش‌های خود را گرفته، چشم‌های خود را بسته و حاضر نیست این پروسه را در درون جامعه ببیند. چرا باید آنقدر بی‌اعتنا به مسائل برخورد شود که مرگ دختر جوانی خشم جامعه را به قانون‌گذاران نشان دهد. قانون‌گذارانی که ادعای «نمایندگی» این مردم را دارند. نمایندگانی که اما در عمل از منافع مالی خود و اقوام‌شان تا پای جان دفاع کرده و حرمت این مردان و زنان غیور را نمی‌دارند. از قضا این شیوه خود را به کوری زدن تعدی و دستگی و خشم‌کوری را باعث می‌گردد که دیگر عقلانیت را زیر پا می‌گذارد و نتایج برآمده از این تصمیمات، دست‌آویزی برای به زیر سوال بردن خواسته‌های انقلابی منجمله استقلال و دفاع از منافع ملی تمامی این ملت از دینداران و سکولارها، زرتشتی و مسیحی و یهودی می‌شود. اگر زمانی که برخی از این نمایندگان در مجلس بجای نشان دادن عکس‌های شلوار تنگ دختران، سفره‌های خالی مردم، اندوه در چهره‌هایی که توان پرداختن اجاره خانه و دارو را ندارند، بیکاری سربرآورده از حکمرانی سرمایه و خشم از بی‌عدالتی را نشان می‌دادند، می‌توانستند به جای بوجود آوردن «گشت ارشاد» دنبال راه حل‌های دیگری برای رفع این مشکلات می‌گشتند. افسوس و دریغ برای این زمان از دست رفته برای تمامی کسانی که ساعت‌ها در اتاق‌های «آموزش گشت ارشاد» عمر سپری کردند و تمامی ساعات کسانی که آنها را بازداشت کرده بودند، به هدر رفت. تصور کنید به جای این کار بیهوده هر کدام از این زنان و مردان پرستاری بودند که زخمی را مرهم می‌گذاشتند، معلمی بودند که به کودکان کار سواد یاد می‌دادند، رفتگرانی که شهرهایمان را زیباتر می‌نمودند و تمام کارهای با ارزش دیگری که بعد از انجام آن در کنار خانواده و دوست احساس آرامش داشتند. سربازان ما در مرزها کشته می‌شوند تا کشور در امان باشد، جنگلبانان ما شکار دزدان وحشی می‌شوند تا ما شادی دیدن این حیوانات را داشته باشیم و آنوقت بایستی سرمایه و وقت این مردم برای آموزش افرادی باشد که بدحجاب‌ها را شناسایی و به راه راست هدایت کند!! کجای این جامعه زندگی می‌کنید مسئولانی که موی زن دغدغه زندگی‌تان هست؟ این جامعه در دورانی به‌سر می‌برد که ما با وجود تمام تحریم‌ها علم و دانش آنرا داریم که واکنس کورونا تولید کنیم. پهبادهای ایران یکی از پیشرفته‌ترین پهبادهای جهان‌اند. پیشرفت‌های ایران در زمینه استفاده از نیروی انرژی اتمی و صنعت نفت بسیار چشم‌گیر است. این مردم با وجود تبعیضات فراوان در تمام زمینه‌ها در مسابقات علوم، در زمینه‌های ورزشی، در هنر و از همه مهم‌تر در مبارزه با بی‌عدالتی خوش می‌درخشند. آیا این مردم آنوقت نمی‌توانند مسئله عرف و اخلاق جامعه را مدیریت کنند؟ آیا این نگاه متحجرانه و ارتجاعی به مسئله اخلاق و عرف توهینی به پدران،



## چرا اکثریت مردم شیلی به قانون اساسی جدید نه گفتند؟

درس‌هایی از تحولات سیاسی در شیلی و سایر کشورهای آمریکای لاتین

**یکم:** مردم شیلی روز یکشنبه با اکثریت قاطع قانون اساسی پیشنهادی جدید این کشور را، که می‌توانست یکی از مترقی‌ترین قوانین اساسی جهان باشد، رد کردند. رأی‌دهندگان شیلیایی اگرچه در سال ۲۰۲۰ با اکثریت ۸۰ درصدی به پیش‌نویس این قانون رأی مثبت داده بودند، اما اینبار ۶۲ درصد شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی با آن مخالفت کردند.

«کارول کارولولا»، سخن‌گوی کمپین مدافع تصویب قانون اساسی نوین شیلی، یکشنبه شب در مرکز شهر سانتیاگو، پایتخت شیلی شکست را پذیرفت و با ذکر اینکه لزوم ارائه متنی جدید برای قانون اساسی به قوت خود باقی است، گفت: «ما متعهد به ایجاد شرایطی هستیم تا اراده مردم و مسیر نیل به قانون اساسی نوین را هدایت کند».

«گابریل بورچ»، رئیس جمهوری شیلی، که استقرار دولت‌اش به تصویب متن جدید قانون اساسی این کشور وابسته است، گفت که تغییراتی در کابینه ایجاد می‌کند و در حال کار روی پیش‌نویس جدید قانون اساسی است. او اضافه کرد: «ما نه فقط امروز، بلکه در تمام سال‌های سختی که پشت سر گذاشته‌ایم، باید به صدای مردم گوش می‌دادیم. این خشم نهفته و انکارناپذیر است». «بورچک» همچنین متذکر شد که با درس گرفتن از شکست روز یکشنبه و با همکاری کنگره و بخش‌های مختلف جامعه برای دستیابی به متن دیگری تلاش خواهد کرد.

احزاب «چپ» میانه و جناح راست نیز، که کمپین رد قانون اساسی جدید را رهبری می‌کردند، بر سر مذاکره برای دست‌یابی به متن جدید توافق کردند. «کریستوبال بلولویو»، تحلیلگر سیاسی معتقد است که نتیجه این رأی‌گیری دو چیز را نشان می‌دهد، یکی رد دولت «بورچ» و دیگری نظر جامعه در مورد سیاست‌های اتخاذ شده در رابطه با هویت مردم و مسائل بومی.

متن پیشنهادی قانون اساسی، که روز یکشنبه توسط رأی‌دهندگان رد شد، پاسخی به اعتراضات «خشونت‌آمیز» گسترده سال ۲۰۱۹ در سرتاسر شیلی بود. این متن، که بر قوانین اجتماعی، محیط‌زیست، برابری جنسیتی و حقوق اقوام متمرکز است، تحولی عظیم در برابر قانون اساسی پیشین تصویب شده در زمان دیکتاتوری «آگوستو پینوشه» بود. اما این برآمد مردم و رأی «نه» برای برانداختن قانون اساسی نواستعماری و نئولیبرالی، که یادگار «با شکوه فرزندان پسران شیکاگو» و دکترین «میلتون فریدمن» است، خود مبین این امر است که دولت جدید شیلی تحت رهبری «گابریل بورچ»، رئیس جمهور جوان این کشور، که مخالفت خود را با قانون اساسی ارتجاعی اعلام کرده و تغییر آن یکی از وعده‌های انتخاباتی وی بوده است، نمی‌تواند بدون تعرض به رسانه‌های ضدملی و وابسته به امپریالیسم آمریکا، بدون تعرض به پایگاه اقتصادی بورژوازی کمپرادور و مصادره شرکت‌های بزرگ و اموال غارت شده ملت، پیروزی و منافع مردم و عدالت اجتماعی را محقق سازد. اساساً چه لزومی دارد وقتی ملت با رأی قاطع خود رئیس جمهور جوان را بر مسند قدرت نشانید، تا فقر را براندازد، تاکتیک فراندوم را برای تغییر قانون اساسی در پیش گیرد. ملتی خسته، که سالیان طولانی تحت تأثیر تبلیغات غرب و نئولیبرالیسم اقتصادی بمباران شده است، اگر فوراً و به شیوه انقلابی به مطالبات‌اش پاسخ داده نشود، مأیوس خواهد شد و تحت تأثیر فضای تبلیغات امپریالیستی قرار خواهد گرفت و در شیلی نیز چنین شد.

**دوم:** آیا رئیس جمهور جدید شیلی سوسیالیست است؟ ماهیت دولت شیلی سوسیالیستی است یا بورژوایی؟

برای پاسخ به این سوال باید بدانیم که «سوسیالیست» واقعی آن کسی است که در مبارزه طبقاتی «دیکتاتوری پرولتاریا» را به مثابه اصل بنیادین باور داشته باشد. کسی که به این شناخت پایه‌ای نرسیده است، بی‌بربرگرد فقط در حرف «سوسیالیست» است، حتی اگر مدافع برخی از برنامه‌های آن باشد! مثل «مورالس»، «مادورو» و یا «لولا داسیلوا»!

سوسیالیسم بدون دیکتاتوری طبقه کارگر همان رویزیونیسم، همان اپورتونیسم و در حالت خوشبختی، همان به اصطلاح سوسیالیسم حاکم در چند کشور آمریکای لاتین است که برای همه نوع اندیشه مخرب پناهگاهی دارد. در پارلمان، برای سرمایه‌داران، عاشقان اقتصاد نئولیبرالی، ترسکیست‌ها، آنارشیت‌ها، رویزیونیست‌ها، اپورتونیست‌ها و حتی فاشیست‌هایی چون «بولسونارو» و «گوایدو»، به اندازه کافی جایگاه وجود دارد. همه اینها در جبهه‌ای قر و قاطی، به همراه چپ‌گرایانی که درک انقلابی و شناخت علمی از سوسیالیسم ندارند، سکان‌دار اقتصاد، سیاست، قوانین و رسانه‌های کشورشان هستند! بستری بسیار مناسب و ایده‌آل برای امپریالیسم درنده خوی آمریکا! این «سوسیالیست‌ها»، در باطن همان سوسیال - دموکراسی اروپایی، یعنی نوکران سرمایه مالی و هواداران «انسانی کردن چهره‌ی سوسیالیسم» اند!

اگر جز این می‌بود که این همه توطئه و کودتا رخ نمی‌داد.



## دائر حملات جمهوری آذربایجان به ارمنستان بیش از ۱۰۰ کشته و ده‌ها نفر مجروح شده‌اند

«آنتونیو گوترش»، دبیر کل سازمان ملل، در پی حملات آذربایجان و درگیری‌های جدید بین آذربایجان و ارمنستان «از هر دو طرف خواست خویشتن‌داری نشان دهند». و «آنتونیو گوترش» از موضع نه‌سیخ بسوزد و نه کباب «از هر دو کشور همسایه خواست مشکلات باقی‌مانده خود را از طریق گفتگو حل و فصل کنند». شورای امنیت سازمان ملل نیز امروز چهارشنبه ۱۴ سپتامبر در نشستی به درگیری بین دو جمهوری شوروی سابق رسیدگی خواهد کرد. ارمنستان گفته است بیش از ۴۰ سرباز خود را در حملات جمهوری آذربایجان از دست داده است. جمهوری آذربایجان نیز تلفات خود را ۴۲ نفر اعلام کرده است.

مقامات ارمنستان گفتند: نیروهای جمهوری آذربایجان به جای منطقه قره‌باغ کوهستانی، مناطقی را در داخل ارمنستان گلوله‌باران کرده‌اند.

ترکیه که متحد جمهوری آذربایجان و از دولت «علیف» حمایت می‌کند و آتش‌بیار معرکه هست، «ارمنستان را مسئول این درگیری دانست». با وجود آتش‌بس اعلام شده توسط

اینان با تهی کردن مفهوم «دموکراسی» از مضمون طبقاتی آن، به ناچار تسلیم ترندهای سیاسی و تبلیغاتی سرمایه‌داران و درگیر حربه‌ی «مبارزه» پارلماناریستی شده و هر از گاهی به راحتی از گردونه سیاست کنار گذاشته و زندانی و یا فراری می‌شوند. این در حالی است که بورژوازی و حامیان آنها درک درست‌تری از «دموکراسی طبقاتی» دارند و اعمال «دیکتاتوری بورژوازی» را حق طبیعی و مسلم خود می‌دانند و دشمنان طبقاتی‌شان را بی‌ترحم از پیش رو برمی‌دارند!

فقدان درک درست و منطقی از قوانین علمی و انقلابی سوسیالیسم، مساوی است با تسلیم و خلع سلاح ایدئولوژیک در برابر دشمنان رنگارنگ طبقه کارگر. در صحت گفتار فوق کافی است نظری به موضع‌گیری‌های بسیاری از به اصطلاح «چپ‌های دموکرات»، یا به عبارت دیگر، نیمچه سوسیالیست‌ها، چه در ایران و چه خارج از ایران بیندازیم. این حضرات با کنار گذاشتن مفهوم «قهرانقلابی» و تقلیل آن به خشونت و سپس تقبیح هر گونه «خشونت»، موزیانه سعی می‌کنند تا عباراتی را نظیر «منتقدان»، «مخالفان»، «اپوزیسیون» و «عقیده هر کسی محترم است» به جای واژه‌ی گویای «دشمن طبقاتی» به‌نشانند! بنابر این با این نوع تفکر چاره‌ای به جز تسلیم و زانو زدن بر آستان امپریالیسم و توجیه و تطهیر آن نخواهند داشت. امروزه از گوشه و کنار می‌خوانیم که برای «حقوق بشر» و «کمک‌های بشردوستانه» گریبان چاک می‌کنند و عمداً و شاید سهواً، توجه‌ای به کلیدی‌ترین اصل «حقوق بشر»، که به رسمیت شناختن حق مالکیت خصوصی بر ابزار تولید است، ندارند! در حالیکه لنین و استالین همواره و مکرراً تأکید می‌کردند که در دوران سوسیالیسم، بدون دیکتاتوری مداوم و همه‌جانبه علیه سرمایه‌داری نمی‌توان مالکیت خصوصی بر ابزار تولید را ملغی و سیستم سرمایه‌داری را نابود کرد. لاس‌زدن با انواع نیروهای ضد کارگری و میدان‌عرض و اندام‌دادن به آنها، فجایعی به بار خواهد آورد که در ایران، شیلی، اندونزی، بولیوی و دیگر کشورها شاهد آن بودیم. باید با قهر انقلابی، نوکران، مزدوران و جاسوسان نظم سرمایه را سرکوب کرد و گرنه به خودی خود و با رأی‌گیری و انتخابات از بین نمی‌روند.

مارکس در اثر خود به نام «مبارزات طبقاتی در فرانسه ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۰»، به وضوح توضیح می‌دهد که «دیکتاتوری پرولتاریا به مثابه نقطه‌گذاری ضروری به سوی محو تضادهای طبقاتی به طور کلی، محو کلیه مناسبات تولیدی، که این تضادها بر روی آنها بنا شده‌اند، محو کلیه روابط اجتماعی، که این مناسبات با آنها در تطابق‌اند، دگرگونی کلیه افکاری که از این روابط برمی‌خیزند!»

عدم درک گفته‌های فوق و یا خیانت و تجدیدنظر در نظرات درخشان بالا، به انحراف و رویزیونیسم منتهی خواهد گشت که از درون آن یک «هفته‌بیجار»ی به نام، «هرکس عقیده‌ای دارد»، «عقیده هر کسی محترم است»، «حزب همه‌ی خلق» و «دولت همه‌ی خلق» درست خواهد شد، که به مذاق تمامی نیروهای ضد طبقه کارگر خوش خواهد آمد. \*



## سخنی به بهانه درگذشت «میخائیل گورباچف» و هیاهوی ضد کمونیست‌ها در ستایش از وی

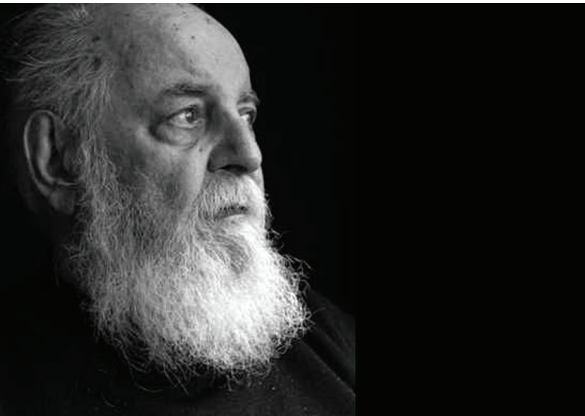
«یوسف ویساریونویچ»، مشهور به «استالین»، شاگرد وفادار «لنین»، معمار بزرگ ساختمان سوسیالیسم، رهبر خلق شوروی و فاتح جنگ علیه فاشیسم هیتلری، در پنجم مارس سال ۱۹۵۳ و در سن ۷۴ سالگی درگذشت. تنها سه سال پس از مرگ استالین، در کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی، «نیکیتا خروشچف»، که بنا به شهادت تاریخ، بارها در تأیید و تمجید استالین سخنرانی کرده بود، در این کنگره، شدیدترین و بی‌شرمانه‌ترین توهین‌ها را نثار استالین کرد که بیش از سی سال رهبر حزب کمونیست (بلشویک) شوروی بود. «خروشچف» در این به اصطلاح سخنرانی گفت: «استالین خودکام‌های» بود که «جنایاتی به مراتب دهشتناک‌تر از «تزار» مرتکب شد! دوران «سلطنت» او با «خون و ترور» آمیخته بود! رهبری وی در جنگ جهانی دوم چیزی در مقوله خیانت بود! نقل قول‌ها از کتاب (احیای سرمایه‌داری در شوروی، نوشته «مارتین ییکولاوس» (این سخنرانی «خروشچف»، در ۶۶ سال قبل، که به «سخنرانی محرمانه» معروف گشت، «تبری بود که در سراسر جهان طنین افکند و طنین آن هنوز به گوش می‌رسد!» متن سخنان «خروشچف» در کنگره بیستم، تا سال ۱۹۸۹، یعنی به مدت ۲۳ سال از دسترس اعضای حزب و مردم شوروی مخفی نگهداشته شد! تروتسکیست‌ها، بورژوازی و دشمنان سوسیالیسم از سخنان خائنی به نام «نیکیتا خروشچف» به شادمانی و رقص پرداختند! تزه‌های رویزیونیستی «خروشچف» در مفاهیم و مقولات سوسیالیسم، تحت عناوین «دیکتاتوری تمام خلقی» و «حزب تمام خلقی»، «همزیستی مسالمت‌آمیز»، «گذار مسالمت‌آمیز» دست‌آورد و محصول دوران «خروشچف» و فرزند خلف‌اش «گورباچف» بود که به مدت سی سال ادامه داشت و در انتهای آنجور به فروپاشی کشور شوروی شد.

با قاطعیت می‌توان گفت که حاکمیت «رویزیونیسم خروشچفی» و دنباله روان‌اش در اقتصاد و سیاست کشور شوراهای، مسبب اصلی انحطاط و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود. بنابراین، این گفته که «سوسیالیسم به عنوان یک تئوری علمی در شوروی شکست خورده و «هرگز پیاده شدنی نیست»، یکسره حرف پوچی است!!! امروزه شناخت و متمایز ساختن رویزیونیست‌ها از مارکسیست - لنینیست‌ها، اهمیت بسیار زیادی در جبهه نبرد طبقاتی دارد!!! زیرا که رویزیونیسم، در حرف طرفدار «سوسیالیسم و لنینیسم» هست، لیکن در عمل دشمن سوسیالیسم، دشمن دیکتاتوری پرولتاریا و یک ضدانقلاب تمام عیارست! \*

روسیه، درگیری‌ها میان ارمنستان و آذربایجان ادامه یافت. نبردهای کنونی میان دو کشور بدترین درگیری از زمان جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ در پایان سال ۲۰۲۰ بوده است. در این جنگ بیش از شش هزار و ۵۰۰ نفر کشته شدند. شورای امنیت ملی ارمنستان تصمیم گرفت از روسیه کمک نظامی بخواهد. روسیه اما اعلام کرده است که در تلاش برای کاهش تنش است. روسیه به طور سنتی و تاریخی به عنوان قدرت حافظ ارمنستان محسوب می‌شود. «شارل میشل»، رئیس شورای اتحادیه اروپا، که ماه‌هاست در مذاکرات ایروان و باکو میانجی‌گری می‌کند، اعلام کرد با هر دو طرف درگیری صحبت خواهد کرد. دلایل واقعی نبردهای فعلی میان دو کشور واقع در جنوب قفقاز هنوز مشخص نیست، اما گزینه «دورنبوت»، خبرنگار سابق «دویچلند فونک» در مسکو این احتمال را طرح کرده است که رهبری آذربایجان ممکن است بخواهد از درگیری روسیه در جنگ اوکراین برای تقویت مواضع خود در مذاکره با ارمنستان در مورد قره‌باغ کوهستانی سو استفاده کند...

دومین جنگ قره‌باغ با میانجی‌گری روسیه و با امضای یک توافقنامه ۱۰ ماده‌ای میان رهبران آذربایجان، ارمنستان و روسیه به پایان رسید. طبق این توافقنامه روسیه حدود دو هزار سرباز خود را به عنوان نیروی حافظ صلح به منطقه اعزام کرد. یکی از بخش‌های مهم این توافقنامه مربوط به «گذرگاه زنگه‌زور» هنوز به مرحله اجرا در نیامده است. بر اساس این توافق، ارمنستان باید کریدوری (دالان زنگه‌زور) را در بخش جنوبی خود، نزدیک به ایران، جهت اتصال آذربایجان به جمهوری خودمختار نخجوان اختصاص دهد. در مقابل، جمهوری آذربایجان نیز مانع تردد ارمنی‌ها از «خان‌کندی»، مرکز قره‌باغ کوهستانی به ارمنستان نشود. حملات کنونی آذربایجان به ارمنستان و تنش سیاسی به سود هیچ یک از خلق‌های منطقه نخواهد بود. باید به جمهوری آذربایجان، که به پایگاه نفوذ ترکیه و اسرائیل تبدیل شده است، دهنه زد. \*

**با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب  
مبارزه کرد**



## در سوگ «سایه» (بخش دوم پایان)

شخصیت خود ساخته «سایه»

«سایه» بمثابة یک عنصر خودساخته، چه در عرصه موسیقی، چه آواز، چه شعر و چه فرهنگ اصولاً خواهان نوآوری بود. او در سال ۱۳۵۰ به رادیو ایران دعوت شد و مسئولیت برنامه گل‌ها را متقبل گردید. البته او به همراه «لطفی»، «علیزاده» و «شجریان» در دوران انقلاب در سال ۱۳۵۶ در اعتراض به کشتار میدان ژاله از رادیو استعفا دادند.

«سایه» ابتدا از کادر موسیقی و آواز جدید از جمله از «محمد رضا لطفی»، هنگامه اخوان، «حسین علیزاده» و بعدها «محمد رضا شجریان» با هدف نوآوری و گسترش ردیف‌نوازی در دستگاه‌های موسیقی ایرانی دعوت کرد و اساس ترکیب و برنامه‌های موسیقی سنتی آن زمان، به ویژه برنامه «گل‌های رنگارنگ» را تغییر داد. او حتی نام این برنامه را نیز «گلچین هفته» نهاد. او در جواب به منتقدین و معترضین حضور هنرمندان جدید در رادیو گفت: «کسانی که در کاباره‌های تهران برنامه اجرا می‌کنند، نمی‌توانند در رادیو ایران شاغل باشند» و این خشم برخی را برانگیخت.

وانگهی این ایراد به «سایه»، که با تمرکز و پُربهادادن به ردیف‌نوازی و گوشه‌های موسیقی دستگاهی ایران خلایق را مد نظر نداشت، کمال بی‌اطلاعی ارائه‌دهندگان آنرا به اثبات می‌رساند. تجربه نشان داد که اتفاقاً همان «لطفی»‌ها و «علیزاده»‌ها و «شجریان»‌ها، حتی با خواندن اشعار «سایه»، این بزرگ‌ترین غزل‌سرای معاصر، نظیر «سپیده» و «ایران ای سرای امید» به ویژه در اوائل انقلاب ۱۳۵۷ شور و ولوله‌ای در مردم ایجاد کردند. همان‌ها بودند که چه در عرصه فن و ردیف‌نوازی و نوآوری، چه در عرصه آهنگ‌سازی و چه در عرصه خوانندگی با خلایق و هنر کم‌نظیری، موسیقی ایرانی را به سطح عالی امروز ارتقاء دادند.

«سایه» برخلاف منتقدین و مخالفین بی‌مایه‌اش، در عرصه موسیقی، آهنگ‌سازی و آواز نیز تبحر داشت. به قول خودش: «مایه‌ای که در ذهن من است، بیش‌تر کشش به موسیقی دارد.

## «... تنها یگ گلوله برای دشمن

کافی است...»

«اگر خواستی سرزمین‌ات را آزاد کنی، ده گلوله در تفنگت بگذار، نه گلوله برای خائنین و وطن‌فروشان و تنها یگ گلوله برای دشمن کافی است»

این گفته فوق از جانب هر کسی که باشد، در شرایط امروز ایران و با توجه به «ایرانیانی» که در داخل و در خارج، علناً و دانسته، نقش ستون پنجم اسرائیل، عربستان، اروپا و بویژه آمریکا را بازی می‌کنند، سخنی است معنادار و واقعیتی است درست!

از زمان شروع مذاکرات هسته‌ای در سال ۱۳۸۲ تا به امروز، یعنی به مدت ۱۹ سال، به استثنای یکی دو نفری، از دهان کارمندان «ارشد» و نیمه‌ارشد و نرسیده به ارشد کانال‌های ماهواره‌ای «بی‌بی سی»، «صدای آمریکا»، «منوتو (و او)»، «عربستان ایران اینترناشنال»، «رادیو فردا (و در نهایت تاپس فردا)» و ده‌ها بلکه صدها «رسانه‌های» موجب خور دیگر و یا از زبان «میهمانان» برنامه‌شان، که اکثراً ثابت و گاهی سیاراند، نشنیدیم و ندیدیم که در دفاع از وطن و سرزمین ایران و نه از جمهوری فاسد و مرتجع اسلامی حاکم، سخنی بر زبان آورند و فرق گذارند بین کشور ایران و حاکمیت ملاها و بگویند که این غرب و آمریکاست که در مسئله برجام دروغ می‌گوید و تقلب می‌کنند و نه ایران؟!

ایران آخوندزده، که در سال ۲۰۱۵ تسلیم غرب شده بود و میلیاردها دلار هزینه روی دست ملت گذاشته بود، ولی آیا «اوباما»ی جد اندر جد مسلمان، این کنیایی‌الاصل سیاهپوست مارموزی، تحریم‌ها علیه ایران را برداشت؟ آیا اصلاً مشکل امپریالیسم آمریکا، اعم از دموکرات‌ها و یا جمهوری خواهان و دنبالچه‌های اروپایی و اسرائیلی‌شان غنی‌سازی اورانیوم و بمب اتمی نداشته ایران است؟! آیا آنها به خاطر منافع خود در خاورمیانه و «اسرائیل بزرگ» (از نیل تا فرات) به دنبال خلع سلاح موشکی و قطع نفوذ ایران در منطقه و انتقام شکست داعش خودساخته نیستند؟! لال نمی‌شوید، اگر حقایق را بیان کنید ولی حتماً از «اعتبار» و خودشیفتگی و مهم‌تر از همه از مواجبه محروم می‌شوید و دیگر رسانه‌های شما را دعوت نخواهد کرد! آخر بی‌شخصیتی و کاسه لیس‌ی تا کجا و تا چند؟! شماها مرتب و دایماً در کانال‌های ماهواره‌ای وابسته به دشمنان ایران‌زمین، علیه جمهوری اسلامی، سخنان تکراری و کسل‌کننده بلغور می‌کنید در حالی که میلیون‌ها ایرانی زحمتکش و فقیر در داخل، هزاران مرتبه بیش‌تر از شماها به عمق مشکلات و فجایع حاکمان اسلامی واقف‌ترند. باری؛ به مبارزان و پیکارگران راه آزادی و استقلال ایران در طی قرون می‌توان ایرانی گفت، اما شماها را نه !!

به حافظ پناه ببریم :

«گرچه گردآلودم فخرم، شرم باد از همتم

گر به آب چشمه خورشید دامن تر کنم

با وجود بینوائی، رو سیه بادم چو ماه

گر قبول فیض خورشید بلند اختر کنم

من که دارم در گدائی گنج سلطانی به دست

کی طمع در گردشِ گردونِ دون پرور کنم\*»

چون موسیقی خالص تر از شعر است. چون همه اقوام و ملل، همه حس می‌کنند و احتیاج به ترجمه ندارد». «سایه» یک شاعر، نویسنده و یک پژوهشگر در عرصه موسیقی و شعر بود و از نادر شاعرانی بود که هم اشعار کلاسیک - غزل و مثنوی - و هم شعر نو می‌سرود.

غزلیات، تصنیف‌ها و اشعار نوی او توسط خوانندگان به نامی چون «شجریان»، «قوامی»، «ناظری» و دیگران اجرا شده‌اند. او در زمره شعرائی بود که جامعه و جهان را زیر ذره‌بین داشت. اشعار او چراغ راه‌نما و قوت قلب مبارزان راه آزادی بود، هست و خواهد بود. از اینرو «سایه» در عرصه‌های یادشده خدمت بزرگی به مردم ایران کرد. او گوهری بود که به سادگی نمی‌توان آنرا جایگزین کرد. اما همین «سایه» با این همه توانایی و دانش، هنگامی که از او می‌پرسند، چرا تخلص «سایه» را انتخاب کردی؟ می‌گوید: «در کلمه «سایه» فروتنی و بی‌آزار بودن هست. ذات معنای این کلمه نوعی افتادگی در مقابل خشونت و حتی می‌توان گفت وقاحت» است. این سخن از کسی است که باز به گفته خودش روزی ۴۰۰ تا ۵۰۰ صفحه کتاب می‌خواند و از این طریق همه چیز را خودش به خودش آموخت!

«سایه» نه تنها عرصه شعر و ادب ایران را با کنجکاو و تبهر در نور دیده بود، نه تنها ۱۰ دفتر شعر از خود به یادگار گذارد، بلکه در آثاری نظیر «حافظ به سعی سایه» از روی ۳۰ دست نوشته قرن نهم «حافظ» به تصحیح دیوان او همت گمارد. او در این کتاب در عین حال شکل و مضمون و معانی اشعار «حافظ» را زیر ذره‌بین می‌گذارد. برای نمونه او در وصف اشعار «حافظ» در این کتاب می‌نویسد: «یگانگی تفکیک‌ناپذیر صورت (شکل) و معنی، چون جان و تن است» و یا «چون دوردست افق، بوسه‌گاه آسمان و زمین است». این شاعر و پژوهشگر فاخر و فرهیخته خود می‌گوید: «تمرکز روی غزل به خاطر علاقه‌ای که به موسیقی داشتم بود، چون روی غزل بهتر می‌توان ریتم موسیقی ایرانی را جای داد». اما «سایه» در عین حال با الهام گرفتن از «نیما یوشیج»، بنیان‌گذار شعر نو در ایران، یا همان شعر نیمائی زیباترین، لطیف‌ترین و در عین حال بسیج‌کننده‌ترین اشعار نو را سروده و به حق می‌توان گفت که در کنار سایر شعرای نامدار معاصر ایران وزنه‌ای به شمار می‌آید. در واقع او از «فرم کهنه» حرف نو و تازه زده است. او نه تنها ادامه دهنده و زنده نگاهدارنده «حافظ» غزل سراسر است، بلکه در عین حال حافظ ادبیات و لغات و کلمات فارسی نیز هست. او در کنار شعرای معاصر چون «شاملو»، «مهدی اخوان ثالث» پرچم شعر و هنر مقاوم و متعهد را افرشته نگه‌داشت. هیچ جای تردید نیست که «سایه» در دوران ۶ ساله فعالیت خود در رادیو ایران بر خورده‌ها، سیاست‌ها و تصمیمات اشتباهی هم داشته است که جای دفاع ندارد که هیچ باید با دیده انتقاد به آنها نگریست. ولی آنها که امروز «سایه» را می‌کوبند، آبخورشان جای دیگری است که در سطور گذشته به آن اشاره رفت. «سایه» این بزرگ‌ترین غزل سرای معاصر در وصف گل و سمبل و بلبل

و شمع نسوده است، بلکه به طور عمده در ستایش از مبارزه، مقاومت، استقامت و از خود گذشتگی... و در ذم سرکوب، نابرابری، فقر و بی‌عدالتی گفته است. و این آن صفاتی است که از خصلت مترقی او نشأت می‌گیرد و باید نسل امروز به آن ارج نهد و از آن بیاموزد. حزب ما هم در برخی زمینه‌ها - چه در دوران رژیم پهلوی، چه در نظام حاکم کنونی و چه سمت‌گیری سیاسی او در بعضی مراحل، هم نظر نیست و به آن انتقاداتی دارد. «سایه» مسحور خدمات گذشته و نام «حزب توده ایران» در قبل از سقوط به منجلا ب رویزیونیسم، شیفته شوروی سوسیالیستی و اعتبار گذشته انقلابی آنها قرار داشت و باقی ماند. وی مانند بسیار از منتقدان پرمدعای خودش که امروز حتی به دامان امپریالیسم و صهیونیسم رفته‌اند، نتوانست درک درستی از ماهیت بروز رویزیونیسم و سرانجام سقوط شوروی داشته باشد. به اینجهت به تجلیل از بسیاری اشتباهات و خیانت‌های حزب رویزیونیستی توده ایران پرداخت. می‌توان و باید از «سایه» ایراد گرفت که نسبت به خمینی توهم داشت و یا در مقاطع حساسی به نادرستی سکوت کرد. اما باید انصاف داشته باشیم و بگوئیم که «سایه» در این سقوط تنها نبود پاره‌ای از احزاب و سازمان‌های سیاسی نظیر حزب توده ایران، مجاهدین خلق ایران، چریک‌های فدائی خلق، جبهه ملی ایران، نهضت آزادی ایران و بسیاری سازمان‌های ملی مذهبی، حزب رنجبران ایران، اتحادیه کمونیست‌های ایران و... در این انحراف شرکت داشتند. همه آن کسانی که سال‌ها در دفاع از رژیم سرمایه‌داری ج. ا. و تبهکاری‌ها و سیاهکاری‌هایش نقش داشتند و عملاً خاک به چشم مردم پاشیدند در این عرصه یکسان نیستند. «سایه» هرگز به تأیید امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل دست نزد و از تحریم ایران و تجاوز به سرزمین‌اش حمایت نکرد. آری در این راستا «سایه» هم به دلیل نزدیکی با حزب توده ایران و فریب رویزیونیسم از این لغزش‌ها در امان نماند. ولی همانگونه که در بالا اشاره رفت دفاع از «سایه» دفاع از خدمات اوست و نه لغزش‌هایش که با سقوط برخی منتقدان زبان‌دراز وی به کام امپریالیسم، صهیونیسم، وهابیسیم و عوام‌فریبی‌های حقوق بشری ریاکارانه آنها قابل مقایسه نیست. دفاع از «سایه» دفاع از هویت ملی ایران است، دفاع از یک دوره تاریخی وطن‌ماست که در حافظه تاریخی ملت ایران ثبت شده است. برای کسانی که خود را «نوین» می‌نامند و نسبت به همه سنت‌های انقلابی خلق ما بیگانه‌اند، برای کسانی که دشمنی با ایران، ایرانی، هویت ملی و تاریخی ایران را بر پیشانی خود نوشته‌اند و خواهان تحریم ایران و تجاوز امپریالیسم به سرزمین ما هستند، گرامی داشتن خاطره و خدمات «سایه» به فرهنگ، ادبیات و تاریخ ایران اقدامی «ضدانقلابی» است.

ولی نگاه ما به «سایه» بنا بر آنچه در سطور فوق رفت از زاویه خدمتی است که او در عرصه فرهنگ و هنر متعهد به میهن ما کرده است و یادش زنده خواهد ماند. این وجه اجتماعی جنبه عمده و تاثیرگذار «سایه» در تاریخ ایران است. \*

ذخایر انرژی جهان از یکسو یک فرصت در عرصه دیپلماسی انرژی خواهد بود. از سوی دیگر همزمان ۲ کشور پُر مصرف و خریدار اصلی انرژی دنیا یعنی چین و هند هم عضو پیمان شانگهای هستند.

کشورهای عضو پیمان شانگهای ۴۰ درصد جمعیت دنیا را به خود اختصاص داده‌اند. اندازه اقتصاد این کشورها ۲۳ هزار میلیارد دلار برآورد می‌شود و برای همین عضویت در شانگهای به معنی دسترسی به بازاری بسیار بزرگ است.

یکی از ایده‌های در حال بررسی کشورهای عضو پیمان شانگهای تشکیل منطقه آزاد تجارست که هدف از آن یکسان‌سازی حقوق گمرکی، برداشتن موانع صادراتی و سرمایه‌گذاری مشترک است.

باتوجه به تحریم‌های آمریکا و برجام

<https://www.eghtesadnews.com/fa/tags/%D8%A8%D8%B1%D8%AC%D8%A7%D9%85>

عضویت ایران در پیمان شانگهای می‌تواند به دور زدن تحریم‌ها و فرصت و قدرت چانه‌زنی ایران را در مذاکرات هسته‌ای کمک کند.

اعضای سازمان همکاری شانگهای با دارا بودن ۲۵ درصد از تولید ناخالص ملی دنیا، حضور ۴ کشور از اعضای این سازمان در جمع قدرت‌های اتمی دنیا، عضویت ۲ کشور برتر اقتصاد دنیا از منظر قدرت اقتصادی در این سازمان و عضویت چین و روسیه به عنوان ۲ عضو از ۵ عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل نشان دهنده اهمیت این سازمان است.

حجم تجارت خارجی کشورهای عضو شانگهای بالغ بر ۴۰ تریلیون دلار است همچنین پهنای جغرافیایی کشورهای عضو بالغ بر ۳۵ میلیون کیلومتر مربع است.

پرسش اینکه آیا با جهت‌گیری خارجی ایران بسوی سازمان «بریکس» و «پیمان شانگهای» بدون اصلاح و تغییراتی در سیاست داخلی منجر به ثبات و تحول مثبتی به نفع مردم خواهد شد؟ پاسخ منفی است. زیرا فساد گسترده و رانت‌خواری و دزدی و سلطه مطلق بورژوازی تجاری دلال و سرکوب‌های سیاسی داخلی مردم بویژه سرکوب طبقه کارگر و ممانعت از هرگونه تشکل‌یابی مستقل صنفی رژیم فقط ثروت مردم ایران را از بین نمی‌برد، بلکه استقلال کشور را هم نیز باد می‌دهد و خیانت آشکار به دست‌آوردهای انقلاب بهمن است. آنها آینده یک کشور و ملتی را قربانی حال خود می‌کنند. جهت‌گیری صحیح بین‌المللی بدون حمایت داخلی از سوی مردم به ثمر نخواهد نشست و جز این نیست. \*



## اهمیت پیوستن به پیمان شانگهای و چند ویژگی مهم پیمان شانگهای

پرسش این است: آیا عضویت در پیمان شانگهای می‌تواند به رشد سرمایه‌گذاری خارجی در ایران منجر شود؟ ایران سرانجام پس از یک دهه انتظار عضو دائم سازمان همکاری شانگهای شد. حضور و عضویت ایران به عنوان عضو دائم یک نهاد امنیتی، دفاعی و البته اقتصادی با حضور کشورهایی نظیر روسیه، چین، هند و البته قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و پاکستان یک گام به جلو در دیپلماسی و سیاست خارجی برای تمرین در یک سطح فراتر از روابط دو جانبه با کشورهاست. اما عضویت در این پیمان به خصوص از نظر اقتصادی برای ایران چه مزایایی دارد و آیا می‌تواند به رشد سرمایه‌گذاری خارجی در ایران منجر شود؟ در نکات زیر به اهمیت عضویت ایران در این پیمان جهانی می‌پردازیم: سازمان شانگهای هر چند یک نهاد و پیمان امنیتی و دفاعی به شمار می‌رود، اما هموارکننده مسیر اجرای پیمان‌های اقتصادی نظیر «اورآسیا»، «آسه آن» و دیگر پیمان‌های اقتصادی منطقه‌ای است و به همین دلیل ایران با ورود به جمع اعضای دائم پیمان شانگهای از این فرصت بهره‌مند شده که بتواند در روند تصمیم‌گیری‌های پیمان‌های اقتصادی در حوزه آسیا و اقیانوسیه نقش متفاوت‌تری از گذشته را ایفا کند. همگرایی ایران و روسیه به‌عنوان صاحب و مالک بزرگ‌ترین

بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، ایجاد روابط جنوب - جنوب، استفاده از پتانسیل کشورهای در حال توسعه برای تغییر مناسبات اقتصاد جهانی و عادلانه‌تر کردن آن، ایفای نقش مؤثر در کمک کردن به کشورهای در حال ورشکستگی و نیز تاثیرگذاری مثبت بر بحران‌های سیاسی یا اقتصادی مهم جهانی.

### تاریخچه «بریکس»

ایده نخست تشکیل گروه «بریکس» به مدت‌ها قبل باز می‌گردد. هنگامی که امریکا به رهبری «جورج بوش» به دنبال حمله به افغانستان و عراق با بهانه دموکراسی و جنگ علیه تروریسم بود، مؤسسه سرمایه‌گذاری «گلدمن ساکس» در سال ۲۰۰۱ به منظور پیش‌بینی وضعیت اقتصادی جهان و قدرت‌های برتر آن در نیم قرن آتی مطرح شد.

در شصت و یکمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد وزرای امور خارجه کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین گفتگوهای مقدماتی را آغاز کردند. بعد از این اجلاس، رهبران ارشد «بریکس»، در ۴ نشست دیپلماتیک دیگر (یکاترینبورگ، سائوپائولو، ژاپن و لندن) به منظور محکم ساختن پایه‌های شکل‌گیری این گروه شرکت کردند.

اولین اجلاس گروه «بریکس» در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹ در یکاترینبورگ روسیه با حضور «لویس ایناسیو لولا داسیلوا»، «دمتری مدودف»، «منموهن سینگ» و «هو جینتاو» به عنوان نمایندگان کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین برگزار گردید. در این اجلاس کشورهای عضو «بریکس» بر موضوعاتی نظیر روش‌های بهبود وضعیت اقتصادی و اصلاح نظام مالی جهان متمرکز گردیدند. همچنین این کشورها در خصوص برقراری روابط پولی و تجاری نزدیک با یکدیگر و ایفای نقش مؤثر و بیش‌تر در امور اقتصادی جهان به بحث و تبادل نظر پرداختند.

### ایران و فرصت‌های سیاسی «بریکس»

در بُعد سیاسی، همکاری و عضویت ایران در «بریکس»، یعنی همکاری ایران با جمعیت‌های اول و دوم جهان و اقتصاد دوم جهان، سه قدرت هسته‌ای، و دو عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل و سایر مزایای دیگر... هر چند که مهم‌ترین عامل همکاری سیاسی بین «بریکس» و ایران یکجانبه‌گرایی و تک‌رویی ایالات متحده است.

از همسویی‌های مشترک بین گروه «بریکس» و ایران می‌توان به «تغییر رژیم» اشاره کرد که رهبران «بریکس» بارها اعلام کرده‌اند که با عملکرد و نحوه رفتار غربی‌ها در مورد مسائل داخلی کشورها مخالف هستند. رویکرد «بریکس» عدم مداخله در ساختار سیاسی داخلی کشورهاست. ورود به هر گروه و ساختار جدیدی ضمن کسب مزایا، محدودیت‌هایی هم برای کشور دارد و «بریکس» هم از این قاعده مستثنا نیست. مهم‌ترین مزیت‌اش این است



## سخنی در مورد «بریکس» و فرصت‌های سیاسی اقتصادی برای ایران

نام بریکس (BRICS) از بهم پیوستن حروف اول نام انگلیسی کشورهای روسیه، هند، برزیل و چین و بعدها آفریقای جنوبی شکل گرفت. گروه «بریکس» در واقع ائتلافی از اقتصادهای نوظهوری بود که پتانسیل بالایی برای تاثیرگذاری بر اقتصاد جهانی داشتند و خصوصیت اصلی آنها رشد پرشتاب اقتصادی و نفوذ در امور جهانی است که به واسطه دارا بودن نیمی از جمعیت جهان و بین ۲۵ تا ۲۸ درصد از ظرفیت اقتصاد جهانی و همچنین منابع انسانی و طبیعی غنی حاصل آمده است.

اعضای «بریکس» معتقدند این گروه حامی کشورهای در حال توسعه و کشورهای جنوب و برقرارکننده تعادل و عدالت اقتصادی در مقابله با نظام پولی و بانکی غربی است. بدین ترتیب یکی از دستور کارهای گروه «بریکس» را می‌توان تقابل با نظام اقتصادی غربی دانست که کل مناسبات جهانی را دربر گرفته است.

«بریکس» نمایانگر نیمی از جمعیت جهان است و ۲۸ قدرت اقتصادی جهان را در اختیار دارد. در سال ۲۰۱۲ ترکیب‌بندی اسمی تولید ناخالص داخلی این گروه، ۱۳،۶ تریلیون دلار آمریکاست.

محورهای کلی مورد توجه «بریکس» بطور کلی شامل این موارد بوده است: افزایش مبادلات تجاری بین کشورهای عضو و در نتیجه تقلیل وابستگی اقتصادی به اروپا و آمریکا، تشکیل بانک توسعه و ذخیره ارزی در برابر نهادهای غربی هم چون





## آیا هیأت حاکمه آمریکا در جهت رفاه و بهبود زندگی مردم آمریکا گام برمی‌دارد؟

در سال ۲۰۱۰ و در زمان ریاست جمهوری «باراک حسین اوباما»، کنگره نمایندگان آمریکا قانونی را بنام «citizen united» یا «شهروندان متحد» تصویب کرد که به امضای رئیس جمهور «اوباما» هم رسید. طبق این قانون به کمپانی‌ها و انحصارات بزرگ و غول‌های تجاری و مالی و شرکت‌های آمریکائی اجازه داده شد هر اندازه که بخواهند، می‌توانند به ستادهای انتخاباتی سیاستمداران، از فرمانداران ایالات گرفته تا نمایندگان کنگره، نمایندگان سنا و حتی به کمپین‌های انتخاباتی روسای جمهوری آمریکا، هر مقدار و نامحدود، کمک مالی نمایند، بدون اینکه نام کمپانی‌ها و یا اسم اشخاص کمک‌کننده فاش شود!

به موجب این قانون، عجیبی نیست اگر همه دولت‌مردان آمریکائی، از رئیس جمهوری گرفته تا سناتورها و نمایندگان کنگره، اعم از جمهوری‌خواه و یا دموکرات، تمام قدرت و توجه‌شان را در جهت منافع و رضایت اربابان خر پول‌شان، که میلیون‌ها دلار برای مخارج انتخاباتی آنها هزینه کرده‌اند، صرف کنند و یا «خدای ناکرده» قوانینی خلاف خواست و منافع کمک‌کنندگان مالی‌شان وضع نمایند! با تصویب قانون «سیتیزن یونایتد» و کمک‌های هنگفت مالی انحصارات، می‌توان با قاطعیت گفت که همه سردمداران و دولت‌مردان آمریکائی و حتی رؤسای جمهور، بمانند کالا، توسط کمپانی‌ها و حتی اشخاص میلیاردر، خرید و فروش می‌شوند!

این خداوندان پول و ثروت، که دولت تعیین می‌کنند و بر کل رسانه‌ها تسلط کامل دارند، چه نهادهایی هستند؟ به عنوان نمونه می‌توان از مجتمع نظامی - صنعتی اسلحه‌سازی،

که صدای ایران در «بریکس» بسیار بلندتر خواهد بود؛ زیرا صدای ایران منفرد صدای نیم درصد اقتصاد جهان است، اما صدای ایران در چارچوب «بریکس» صدای ۲۵ درصد اقتصاد جهان است.

از سوی دیگر باید به این محدودیت توجه کرد که «بریکس» بیش از اینکه حاصل اجماع روسیه باشد، حاصل اجماع چین است و بیانیه‌های پایانی بیشتر لحنی چینی دارد تا روسی. هدف چین نیز مبتنی بر تحول تدریجی است.

ایران با به تأخیر انداختن مقابله فوری با آمریکا و با داشتن صبر راهبردی، می‌تواند از طریق تعامل راهبردی با نهادهایی همچون «بریکس» و «شانگهای» و به کارگیری قدرت آنها، فشارهای آمریکا را کم‌تر کند. البته این نکته هم مهم است که سازمان‌هایی همچون «بریکس» و «شانگهای» نشان داده‌اند نه تنها همچون سازمان‌های «ناتو» و «اتحادیه اروپا» به دنبال ادغام امنیتی و اقتصادی اعضای خود نیستند، بلکه اهمیت حق حاکمیت کشورها از اصول آنهاست؛ از اینرو نباید نگران از دست رفتن استقلال در سیاست خارجی بود.

### ایران و فرصت‌های اقتصادی «بریکس»

ایران در عصر سازمان‌ها نمی‌تواند بدون توجه به سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی پیشرفت‌های اقتصادی را توسعه دهد، بیش از نیمی از تجارت‌های جهانی از طریق بلوک‌های تجاری شکل می‌گیرد. در حوزه منطقه‌ای، ضمن اهمیت همکاری با بلوک‌های همسایه، که در برخی ایران عضو آنهاست و در برخی نیست همچون اتحادیه عرب، سازمان همکاری اقتصادی، دی هشت، سازمان همکاری‌های اسلامی، شورای همکاری خلیج فارس و مانند آن، باید گفت به لحاظ اقتصادی این کشورها همسطح ایران یا عرضه کننده مواد خام هستند و لذا فرصت‌های چندانی در اختیار ایران نخواهند گذاشت. دست ایران از همکاری با بلوک‌های تجاری غربی کوتاه است. از این رو با گسترش همکاری‌های مالی و تجاری با «بریکس» می‌تواند بسیاری از نیازهای مالی و تکنولوژیک ایران را تأمین کند.

بطور خلاصه ایجاد نهادهای مستقل از غرب در منطقه آسیای پللی برای انتقال قدرت از محور غرب به شرق محسوب می‌شود که بانیان این گروه‌ها بدون توجه یا مداخله به مسائل داخلی کشورها درصدد ایجاد منافع سیاسی و اقتصادی هستند، در این بین می‌توان عضویت و همکاری ایران را با این پیمان‌های مذکور راهی بلندمدت و متعارف برای برداشتن گامی در جهت پیشرفت‌های اقتصادی و سیاسی باشد.

تلخیص و اضافاتی بر مقاله «طاهره حسن پور»، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل - تارنمای دیپلماسی ایرانی \*

موافق بودند که زمان تجزیه کشور فرا رسیده است».

در این راستا هر کدام از احزاب و جناح‌های دموکرات و جمهوری‌خواه، کانال‌های تلویزیونی و رسانه‌های خاص خود و حامیان و طرفداران خویش را دارند و مجریان این رسانه‌ها صبح تا شب برای مردم و راجی می‌کنند، وعده‌های دروغ می‌دهند، علیه یکدیگر خط و نشان می‌کشند و بدین طریق و با سیاه‌نمایی حقایق را مخدوش و مردم را به دنبال نخود سیاه می‌فرستند و همچنان هشت مردم در گرو نُه‌شان ثابت می‌ماند! در عوض کمپانی‌های اسلحه‌سازی و انحصارات بانکی و مالی زالوصفت به کمک کارگزاران‌شان در حاکمیت، ۲۴ ساعته در پی تجارت و فروش اسلحه به خاورمیانه و اوکراین و اخیرا تایوان، روز به روز خرپول‌تر می‌شوند و خط پایانی هم برای ثروت‌اندوزی‌شان وجود ندارد! منهای درصد کمی از آمریکائیان که مرفه و خوب زندگی می‌کنند، میلیون‌ها انسان زحمتکش و تحت ستم، اعم از سیاه و سفید و غیره، در یک طرف و در سمت دیگر کارخانجات اسلحه‌سازی جنگ‌افروز و کلان سرمایه‌داران مالی و بانکی رباخوار و بی‌رحم قرار دارند که دولت و سیاست تعیین می‌کنند!

تاریخ آموزگار بزرگی است. از او آموختیم که هیچ قدرت و پدیده‌ای در جهان پایدار نیست و فقط نیکی و مردمی ماندگار است. از تاریخ آموختیم که امپراتوری‌ها از صفحه روزگار محو شدند و خواهند شد. بریتانیای کبیر که قرن‌ها با قتل و کشتار جهانی را زیر سلطه داشت، به بریتانیای صغیر بدل گردید و عنقریب با استقلال اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی به جزیره کوچکی به نام انگلیس تبدیل خواهد شد. ایالات متحده آمریکا هم دیر و یا زود بر اثر انقلابات داخلی و یا جنگ‌های بین‌ایالتی و یا فرسودگی ناشی از ۲۳۰ سال جنگ مداوم با کشورهای جهان و اخیرا در جنگ با روسیه و احتمالا جنگ با چین، در سراسیمه سقوط غلطیده و به ایالات نامتحد تبدیل خواهد شد. به نظر می‌آید که زمان جنگ مستقیم آمریکا با کشورهای دیگر جهان سپری شده و شرایط داخلی و جهانی دیگر چنین اجازه‌ای را به دولت‌مردان آمریکایی نمی‌دهند.

اما از آنجائی که جنگ طلبی در سرشت امپریالیسم آمریکاست، لذا به دنبال جنگ نیابتی، نمونه داعش در سوریه، اوکراین علیه روسیه و تایوان علیه چین هستند تا با فروش اسلحه، ماشین جنگی‌اش سودآور بماند.

با پوست‌اندازی و افول هژمونی آمریکا، خلق‌های تحت ستم و استعمار جهان، خصوصا خلق‌های امریکای لاتین و خاورمیانه، نفس راحتی خواهند کشید و استقلال و آزادی و کرامت انسانی‌شان را به دست خواهند آورد. چنین باد! \*

مجتمع‌های نفت و گاز و معدن و صاحبان و مالکان بانک‌ها و املاک نام برد که منافع آنها، سرسوزنی با منافع میلیون‌ها کارگر و زحمتکش و کارمندان آمریکایی، همخوانی ندارد! مجتمع نظامی-صنعتی، یعنی تولیدکنندگان انواع سلاح‌های سبک و سنگین نظامی، با لابی‌گری و دشمن‌تراشی و دامن زدن به اختلافات قومی، نژادی، مذهبی و راه‌اندازی جنگ‌های تجاوزکارانه در سطح جهان، سودهای کلان و بی‌حسابی به جیب می‌زنند و بدون ذره‌ای شرم، جان انسان‌های بیگناه را بازیچه امیال ضدبشری خود قرار می‌دهند.

میان تولیدکنندگان سلاح و سردمداران حاکمیت، پیوسته ائتلاف و همکاری نزدیکی برقرار است زیرا که اولی‌ها ارباب و دومی‌ها خدمت‌گزار و حقوق‌بگیرند! گروه اول یعنی سوداگران مرگ از طرفی به صنعت اسلحه‌سازی وصل‌اند و از جهت دیگر برای استمرار درآمدهای میلیاردی به حاکمان آمریکا، خصوصا به قوه مجریه، وابسته‌اند و در این میانه، به زبان هموطنان آذری زبان ما، «مردم را سَنَنه!».

کلان سرمایه‌داران آمریکایی، که با خرید دولت‌مردان و حاکمان ریز و درشت نظام، سُکان اقتصاد و سیاست کشور را در دست دارند، چنان چهار نعل به سمت پول و سود و منفعت خویش می‌تازند که ابدا تمایل و اراده‌ای برای حفظ محیط‌زیست و جلوگیری از آتش‌سوزی‌های گسترده جنگل‌ها و برای رفاه حال و بهبود زندگی میلیون‌ها انسان گرفتار بیماری «کرونا»، اعتیاد، بیکاری ناشی از انتقال صنایع و کارخانجات به کشورهای بی‌مزدکار ارزان، خودکشی، بی‌خانمانی، نداشتن بیمه درمانی، حقوق سقط جنین، مشکلات مهاجرتی، هزینه‌های سنگین درمانی و آموزشی، سطح پایین دستمزدها، افزایش درجه نژادپرستی، کشتار سیاهان، لاتین‌تبارها توسط پلیس، تیراندازی‌های روزمره، کنترل اسلحه و اصلاحات در سیستم پلیس را ندارند! آمارها نشان می‌دهند که نزدیک به ۴۰۰ میلیون اسلحه گرم فقط در بین غیرنظامیان آمریکایی وجود دارد!

عدم اعتماد و نارضایتی‌های گسترده جامعه آمریکایی به سیاست‌های داخلی و خارجی رئیس‌جمهوری و به نمایندگان کنگره و به قضات انتصابی، نشانه‌هایی از تمایلات جدایی‌طلبانه را آشکار کرده است. در مقاله «آیا جنگ داخلی دیگری در آمریکا در شرف وقوع است». به قلم «دیوید چارلز گومپرت»، دیپلمات سابق دولت آمریکا و مدیر اسبق اطلاعات ملی، آمده که بیش‌ترین جدایی‌طلبان در بین جمهوری‌خواهان و در ایالات جنوبی دیده می‌شوند و «حدود ۶۶ درصد گفته‌اند که از جدایی ایالت خود از ایالات متحده حمایت می‌کنند!» وی اضافه می‌کند: «۴۱ درصد از حامیان «جو بایدن» دستکم تا حدی با این ایده



## تحریم روسیه اشتباه بود! روزی خواهد رسید که به «پوتین» التماس کنیم

روزنامه گاردین انگلیس با انتقاد شدید از تحریم‌های ناکارآمد غرب علیه روسیه خطاب به رهبران اروپا نوشته:

«پوتین» می‌تواند در زمستان امسال اروپا را منجمد کند. [...] تحریم روسیه یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات اروپا بود. جنگ اوکراین اروپا را در وضعیت بسیار سختی قرار داده. از یک سو تحریم‌های ضدروسی در ششمین ماه جنگ اوکراین قادر به توقف ماشین جنگی روسیه نشده و اروپا نمی‌داند بیش از این برای پیروزی در جنگ چه اقدامی باید انجام دهد؛ از طرف دیگر ادامه تحریم‌ها اقتصاد قاره سبز را به شدت متأثر کرده و اروپا این روزها مثل آمریکا شدیدترین تورم را در طی چهار دهه گذشته تجربه می‌کند. شهرهای مختلف اروپا مدت‌هاست روزها درگیر اعتراض و اعتصاب به وضعیت بحران‌زده اقتصاد است. به عنوان فقط یک مثال، روز شنبه در انگلیس راهبران قطار بزرگ‌ترین اعتصاب خود ظرف دهه‌های گذشته را کلید زدند و هزاران نفر را آواره کردند. اروپا البته، بیش از همه نگران زمستانی است که در پیش دارد. گفته می‌شود اگر در زمستان روسیه شیر گاز خود را به سمت اروپا ببندد، اتحادیه اروپا چه بسا از هم فروخواهد پاشید. جایگزینی گاز روسیه توسط اروپا تا کنون با شکست مواجه شده و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز، اعلام کرده «این انتظار، که یک شبه واردات انرژی از روسیه متوقف شود، بیش‌تر شبیه به یک معجزه است».

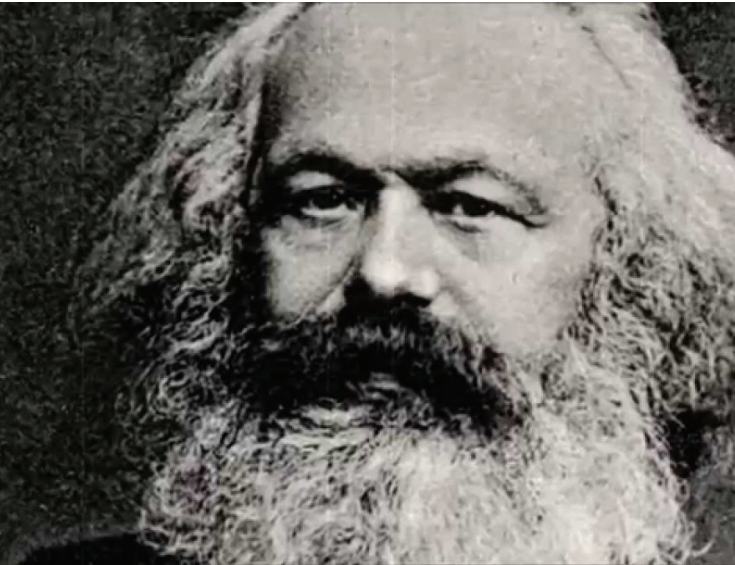
## عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر و فروپاشی برج دوقلو بهانه‌ای برای تجاوز نظامی به افغانستان و عراق

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و با فروریختن دو برج دوقلو در نیویورک، «جرج بوش»، رئیس جمهوری وحشی و تروریست آمریکا جواز رسمی تجاوز نظامی به ممالک افغانستان و سپس عراق را دریافت کرد و آنرا در قالب مبارزه علیه تروریسم و «جنگ تمدن‌های ساموئل هانتینگتون» برای تحقق نظم نوین در خاورمیانه به پیش‌برد. جنگی امپریالیستی و تجاوزکارانه‌ای که میلیون‌ها انسان در اثر آن جان باختند و همچنان تحت رهبری «جو بایدن» ادامه دارد. اگرچه امروز ارتش آمریکا پس از ۲۰ سال اشغال افغانستان شکست مفتضحانه‌ای خورد و پا به فرار گذاشت و همین‌طور در عراق با شکست روبرو شد، اما دست از مداخله و شرارت و تروریسم دولتی و توطئه برنمی‌دارد و برای حفظ آن نظم چرک و خون‌تک‌قطبی، که امروز ترک برداشته است از هرگونه جنگ و جنایت و اقدامات تروریستی دریغ نمی‌کند.

آمریکا برای به‌دست‌گرفتن کنترل انرژی فسیلی و سایر منابع طبیعی خیز برداشته تا از این طریق به حفظ سرکردگی خود در رقابت با سایر رقبای نیرومند، به ویژه چین، که به شدت به انرژی فسیلی وابسته هست، پردازد. امروز اما این حقیقت دارد که جهان در حال پوست‌اندازی است. به جمعیت ممالک VG نگاهی بیاندازید و آن را با جمعیت ۳.۲ میلیاردی سازمان جدید همکاری بانکی و تجاری BRICS مقایسه کنید! «بریکس» در حال شکل‌گیری و تکامل است همین‌طور جاده ابریشم و جبهه شانگهای و این بدان معناست که جهان به طور جدی و با سرعت تمام در حال پوست‌اندازی است و به سوی نظم چند قطبی در حرکت است. با این تحول سلطه دلار و هژمونی آمریکا در جهان بر خواهد افتاد و این به نفع مردم جهان و ممالکی است که راه استقلال پیشه کرده و سلطه و زورگویی امپریالیسم غرب به سرکردگی آمریکا را بر نمی‌تابند!

انحلال ناتو گامی برای تأمین صلح در جهان است!

عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر محصول تروریسم دولتی آمریکاست! \*



## ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیک» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیک» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

### انواع و اشکال دولت

تاریخ جامعه استثمارگر تاکنون سه نوع دولت به خود دیده است: دولت برده‌داری، دولت فئودالی، دولت بورژوائی. نوع دولت را آن زیربنای اقتصادی تعیین می‌کند که دولت به مثابه ربنای سیاسی بر روی آن پایه می‌گیرد، چنان که زیربنای اقتصادی بردگی، دولت نوع بردگی را بوجود می‌آورد و زیربنای اقتصادی جامعه فئودالی و سرمایه‌داری به پیدایش دولت‌های نوع فئودالی و بورژوائی می‌انجامد.

بدین ترتیب انواع دولت از لحاظ مضمون طبقاتی خود با یکدیگر متفاوت‌اند. دولت سوسیالیستی، دیکتاتوری پرولتاریا دولت نوع خاصی است که بعد از آن سخن به میان خواهد آمد. نوع دولت هر چه باشد، ماهیت دولت چیزی جز دیکتاتوری یک طبقه بر طبقات دیگر نیست، ولی این نوع و این ماهیت می‌تواند جامعه‌های مختلف بر تن کند، می‌تواند اشکال مختلف به خود بگیرد.

دولت برده‌داری نخستین نوع دولتی است که بر اثر پیدایش طبقات برده و برده‌دار پدید آمد. این دولت در دنیای باستان

### جنگ اقتصادی

نشریه انگلیسی «گاردین» هم به همین مشکلات پرداخته و طی گزارشی به تحریم‌های ضد روسی اروپا، به شدت تاخته است: «در حالی که کشورهای غربی مدعی بودند با بمباران اقتصاد روسیه، این کشور را به عصر حجر بازمی‌گردانند اما در حال حاضر و پس از حدود شش ماه از آغاز جنگ اوکراین، تاثیر منفی تحریم‌های غربی بر این کشورها روز به روز آشکارتر می‌شود. [...] تحریم‌ها علیه روسیه نادرست‌ترین و غیرسازنده‌ترین سیاست در تاریخ اخیر عرصه جهانی به شمار می‌آید [...] کمک نظامی به اوکراین توجیه‌پذیر است اما جنگ اقتصادی علیه رژیم مسکو بی‌تاثیر بوده و برای اهداف ناخواسته خود، ویرانگر بوده است. قیمت‌های جهانی انرژی به شدت افزایش یافته و تورم به طور مرتب در حال افزایش است. زنجیره تأمین آشفته شده و میلیون‌ها نفر در کمبود گاز، غلات و کود به‌سرمی‌برند.»

تحریم‌های غرب علیه روسیه در وضعیت مبهمی قرار دارد. تحلیلگران دفاعی درباره این موضوع گنگ بوده، اندیشکده‌ها نیز سکوت اختیار کرده‌اند و «لیز تراس» و «ریشی سوناک»، نخست‌وزیران احتمالی آینده انگلیس نیز تنها به لفاظی پرداخته و بدون اینکه هیچ راهبرد هدفمندی را اعلام کنند. تنها وعده تحریم‌های سخت‌تر علیه مسکو را مطرح می‌کنند با این حال اگر هرگونه شبهه افکنی و شک و تردید درباره کارایی تحریم‌ها اعلام شود، به عنوان طرفدار «پوتین» و ضد اوکراین مورد انتقاد قرار خواهید گرفت.

### پوتین می‌تواند اروپا را منجمد کند

«گاردین» گزارش خود را با این جملات ادامه می‌دهد: «واقعیت تحریم‌ها علیه روسیه این است که باعث شده تا مسکو را به اقدام متقابل ترغیب کند. پوتین آزاد است که در زمستان امسال اروپا را منجمد کند. وی عرضه گاز از خط لوله اصلی مانند نورد استریم یک را تا ۸۰ درصد کاهش داده است. قیمت‌های جهانی نفت افزایش یافته و انتقال گندم و دیگر مواد غذایی از شرق اروپا به آفریقا و آسیا به حالت تعلیق درآمده است و [...] هزینه قبض گاز شهروندان انگلیسی طی یکسال اخیر سه برابر شده است. بهره‌بردار اصلی این شرایط کسی جز روسیه نبوده، که صادرات انرژی‌اش به آسیا افزایش یافته و طراز دریافتی‌های این کشور مازاد بی‌سابقه‌ای داشته است. روبل (واحد پول روسیه) به یکی از قدرتمندترین ارزهای جهان طی سال جاری رسیده و از ماه ژانویه (دی) ۱۴۰۰ تاکنون افزایش ۵۰ درصدی داشته است. اگرچه دارایی‌های خارجی روسیه بلوکه شده و ثروتمندان روس نیز مجبور شده‌اند تا کشتی‌های تفریحی خود را منتقل کنند، اما هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که پوتین به این موضوع اهمیت داده باشد.» \*

یا شکل سلطنتی و پادشاهی داشت، مانند استبدادهای شرقی (در کشورهای مشرق زمین) و امپراطوری (اسکندر مقدونی در یونان و ژول سزار در روم) و یا شکل جمهوری (آتن در قرن پریکلس (پریکلس در یونان باستان حدود ۴۹۵ - ۴۲۹ پیش از میلاد دولتمرد، سخنور و ژنرال برجسته و تأثیرگذار آتنی در دوران طلایی این شهر، به ویژه در زمان بین جنگ‌های پارس و پلوپونزی بود. پریکلس تأثیر عمیقی در جامعه آتن داشت. پریکلس اتحادیه دِلوس را به امپراتوری آتن تبدیل کرد و طی دو سال اول جنگ پلوپونز آتنیان را رهبری کرد) روم در دوران اول حیات خود). جمهوری نیز یا آریستوکراتیک یا دموکراتیک. «در جمهوری آریستوکراتیک عدهٔ قلیلی از ممتازان و در جمهوری دموکراتیک همه در انتخابات شرکت می‌جستند ولی همه برده‌داران، همه به استثنای بردگان». بردگان در زمرهٔ خلق به شمار نمی‌آمدند، قانون روم آنها را به منزلهٔ اشیاء در نظر می‌گرفت، آنها «افزارهای تولید بی‌زبان» بودند.

«در همان ازمهٔ برده‌داری، در کشورهایی که به نسبت آن روزگار از همه پیش افتاده‌تر، با فرهنگ‌تر و متمدن‌تر بودند مثلا در یونان و روم باستان، که تماما بر اساس بردگی قرار داشتند، ما با شکل‌های متنوع دولت روبرو هستیم. در همان موقع تفاوت میان سلطنت و جمهوری، میان آریستوکراسی و دموکراسی به ظهور می‌رسد. سلطنت به منزلهٔ قدرت یک نفر، جمهوری به منزلهٔ فقدان قدرت غیرانتخابی، آریستوکراسی به منزلهٔ قدرت اقلیت نسبتا کوچک، دموکراسی به منزلهٔ قدرت خلق (دموکراسی اگر لفظ به لفظ هم از یونانی ترجمه شود به معنای قدرت خلق است) همهٔ این تفاوت‌ها در دوران بردگی بوقوع پیوست. علی‌رغم این تفاوت‌ها دولت ازمهٔ برده‌داری دولت برده‌داری بود، خواه سلطنت، خواه جمهوری و این یک خواه آریستوکراتیک و خواه دموکراتیک». (لنین، در باره دولت). بدین ترتیب در دنیای بردگی باستانی دولت‌ها اشکال مختلفی داشتند ولی ماهیت همه آنها یکی بود: دیکتاتوری برده‌داران.

با برافتادن نظام برده‌داری و استقرار نظام فئودالی دولت بردگی جای خود را به دولت نوع فئودالی واگذاشت شکل دولت فئودالی غالبا پادشاهی است. «در این جا نیز هم سلطنت داریم و هم جمهوری، اگر چه تجلی جمهوری به مراتب کمتر است». (لنین، همانجا). در نظام فئودالی نیز شکل دولت هر چه باشد حکومت در همه حال در دست مالکان فئودال است.

در جامعه فئودالی، زمانی که این جامعه نخستین دوره تکامل خود را می‌گذرانند زندگی اقتصادی متمرکز نیست، پراکنده است. روابط اقتصادی محکمی میان سرزمین‌های فئودالی وجود ندارد. این خصوصیت بر دولت فئودالی به مثابهٔ روبنای سیاسی تأثیر خود را می‌گذارد و نتیجه‌ای که بر آن حاصل می‌آید ضعف قدرت مرکزی است. هر فئودال بزرگ که دهقانان را استثمار می‌کند دارای دسته‌های مسلح خویش است،

خود او در برابر دهقانان هم قاضی است و هم مجری، هم حکم صادر می‌کند و هم حکم را به مرحله اجرا در می‌آورد.

«چه کسی می‌توانست از دهقانان دفاع کند؟ در محاکم بارون‌ها، کشیش‌ها، پاتریسین‌ها و قضات می‌نشستند که خوب می‌دانستند برای چه پول می‌گیرند، زیرا همه اقبشار رسمی امپراطوری به حساب استثمار دهقانان می‌زیستند». (مارکس).

جامعه فئودالی و دولت فئودالی بر اساس سلسله مراتب سازمان می‌گیرد. در راس این سلسله مراتب، رئیس دولت یا پادشاه جای دارد و در زیر دست او من تبع او، واسال‌های او، دوک، کنت، بارون و غیره. در درون این سلسله مراتب که می‌توان آن را به پلکانی تشبیه کرد هر کس نسبت به مادون‌های خود، نسبت به کسانی که روی پله‌های پائین ایستاده‌اند مطاع و متبوع است و نسبت به مافوق‌های خود، نسبت به آنهایی که بر روی پله‌های بالا ایستاده‌اند مطیع و تابع. پادشاه در بالاترین سکوی پلکان نشسته و عالی‌ترین مقام است. با پیدایش پیشه‌وری و تجارت، با پیدایش و رونق شهرها، پراکندگی زندگی اقتصادی راه زوال می‌پیماید و لزوم قدرت مرکزی مقتدر محسوس می‌گردد. قدرت مطلقهٔ شاه قوت می‌گیرد. شاه برای حفظ قدرت مطلقه خود، گاهی با فئودال‌ها علیه بورژوازی نوخاسته متحد می‌شود و گاهی با بورژوازی علیه فئودال‌ها برمی‌خیزد.

این قدرت مطلقه مرکزی که بساط پراکندگی اقتصادی را برمی‌چیند همچنان مدافع فئودال‌ها، مدافع املاک و امتیازات فئودال‌ها باقی می‌ماند، مدافع فئودال‌ها نه تنها در برابر دهقانان که به قیام بر می‌خاستند، بلکه در برابر بورژوازی نوخاسته هر زمان که بورژوازی سلطه فئودال‌ها را مورد تهدید قرار می‌داد. بدین ترتیب در نظام فئودالی: «مالک برای نگاهداری سیادت خویش، برای حفظ قدرت خویش می‌بایست دستگامی داشته باشد که تعداد کثیر افراد را به اطاعت از او گرد آورد، آنها را مطیع قوانین و قواعد معینی گرداند. کلیهٔ این قوانین علی‌الاصول به یک چیز منتهی می‌شد: حفظ سیادت مالک بر دهقان سرف (رعیت معادل سرف در فرهنگ اروپائی است. رعیت‌داری یا سرف‌داری یا سرواژ به موقعیت اجتماعی- اقتصادی روستاییان نآزاد در نظام فئودالیه اشاره دارد)... این جامعه نماینده آنچنان تقسیم طبقاتی بود که بر طبق آن اکثریت عظیم دهقانان سرف، در وابستگی کامل به اقلیت ناچیز، مالکانی که زمین را در تصرف داشتند به سر می‌برد». (لنین، همانجا). موازین حقوقی در خدمت مالکان فئودال بود و از مالکیت، منافع و امتیازات آنها دفاع می‌کرد. حقوق فئودالی، مالکیت فئودال بر زمین و بر افزار کار را مقدس و نقض ناپذیر می‌شمرد. حق مالک فئودال را بر استفاده از کار و زحمت دهقان به رسمیت می‌شناخت و تابعیت شخصی دهقان را نسبت به مالک فئودال تسجیل می‌کرد. دهقانان از هرگونه حقی و از آن جمله حقوق سیاسی محروم بودند. حقوق در جامعه فئودالی انعکاس ارادهٔ مالکان فئودال بود. همانگونه حقوق در جامعه بردگی انعکاس اراده برده‌داران.\*

توفان الکترونیکی، نشریه حزب کمونیست (توفان)



## گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ

### به یک پرسش

**پرسش:** دوستان محترم نشریه وزین توفان، ضمن تشکر از ارسال مرتب توفان الکترونیکی. چیزی که توجه مرا جلب کرد تا برایتان نامه بنویسم، این است: چرا مخالف رابطه سیاسی و دیپلماتیک با دولت آمریکا هستید. آمریکا مگر از ایران چه می خواهد که ایران امتناع به عادی سازی رابطه با آمریکا دارد... آیا اگر رژیم ایران یک رژیم متعارف و دموکراتیک بود، باز هم آمریکا دست به تحریم ایران می زد؟ با تشکر از شما. تهران امضا محفوظ

**پاسخ:** با تشکر از نامه محبت انگیز شما و علاقه تان به دریافت نشریه. بطور مختصر به پرسش تان پاسخ می دهیم. حزب ما به هیچوجه مخالف داشتن یک رابطه عادلانه دیپلماتیک، تجاری و فرهنگی و یا علمی با آمریکا نیست. ما از چنین رابطه ای حمایت می کنیم. اما باید توجه کرد که آمریکا یک سابقه ننگین مداخله سیاسی و کودتا در تاریخ معاصر ایران دارد و از اینکه انقلاب ایران دست اش را از ایران کوتاه کرد و سلطه اش را برانداخت، از توطئه و مداخله دست برنمی دارد و تمام تلاشش را می کند که مجددا آن مناسبات نواستعماری را در ایران احیا کند. تحریم های غیرقانونی کنگره آمریکا و محاصره نظامی و خروج غیرقانونی از «برجام» اینها همه بیان گر آن است که آمریکا خواهان یک رابطه نرمال و متعارف نیست و پیش تر به دنبال اعمال زور و سلطه است و تا زمانی که آمریکا چنین سیاستی را علیه کشورها اعمال می کند، روابط دوستانه و متعارف دیپلماتیک با این کشور ناممکن است. رسانه های ایرانی هوادار آمریکا چنان تبلیغ می کنند که اگر ایران با آمریکا مذاکره کند، خواسته های آنها را بپذیرد، از تولید موشک هایش دست بردارد، به متحد آمریکا در لبنان، فلسطین، لیبی، یمن، سوریه، عراق، ونزوئلا و کوبا بدل شود و از اتحاد با چین و روسیه و چرخش به شرق و «پیمان شانگهای»

و «بریکس» دست بردارد مردم ایران از شر تحریم های اقتصادی خلاص و سایه خطر جنگ از سرشان دفع خواهد شد. این همان سخنان پنتاگون و کاخ سفید است که از طریق رسانه های امپریالیستی به خورد مردم ناراضی ایران داده می شود. مردمی که شدیداً تحت فشار رژیم جنایتکار و مافیایی جمهوری اسلامی قرار دارند و فقر و گرانی و بیکاری حلقوم شان را می فشارد. ما بارها گفته و تأکید کرده ایم علت مخالفت امپریالیسم آمریکا با جمهوری اسلامی بخاطر فقدان آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران و بخاطر فقدان جمهوری دموکراتیک و احترام به حقوق بشر نیست. امپریالیسم آمریکا بنا بر سرشت اش سیادت می خواهد، اطاعت مطلق می طلبد، این ابر قدرت غارت گر متجاوز و فاسیست هیچگونه استقلال سیاسی و اراده مستقلی را در مناسبات سیاسی برای ملل برنمی تابد. دوست محترم!

برخی از محافل بی افق سیاسی، حتی از برخی از جریانات متصف به «چپ» نیز بر این تصور باطل اند که اگر «ایران دارای دموکراسی» می بود، بویژه «دموکراسی شورایی»!! بحران و تنش در منطقه، زورگویی و تهدید و تحریم علیه مردم ایران وجود نمی داشت و بر او این همه درد و مصیبت روا نمی شد!! این عده همان کسانی هستند که می خواهند در صورت وقوع احتمالی جنگ در پارکابی ارتش آمریکا با پرچم «حکومت شورایی» رژیم را سرنگون سازند.

این محافل مبارزه علیه جمهوری اسلامی را جدا از مبارزه با امپریالیسم و در رأس اش امپریالیسم آمریکا می بینند و همان راهی را می روند که اپوزیسیون خود فروخته و رویزونیست عراق و یابلی و افغانستان رفت و در پارکابی ارتش آمریکا مهر تأیید بر نقض حق تعیین سرنوشت ملل کوبیدند و از ویرانی تمام زیرساخت های این ممالک برای سرنگونی رژیم های «نافرمان و مستبد» استقبال کردند و به اپوزیسیون خیانت ملی بدل گشتند. امپریالیسم آمریکا بیش از ۶۰ سال است که کوبا را تحت محاصره اقتصادی خود دارد، در حالی که کوبا نه کشور مذهبی است و نه منافع آمریکا در جهان را تهدید می کند. ونزوئلا دارای دولتی سکولار و دارای سیستم چند حزبی است، اما با این وجود دست از سر این کشور برنمی دارد و به تحریم و مداخله نظامی و کودتا توسل می جوید. پس می بینید که مشکل آمریکا فقدان «دموکراسی» و «سکولاریسم» و این قبیل چیزها نیست، بلکه سلطه و منافع ژئوپولیتیک است. حکومت عربستان کشوری عقب مانده و قرون وسطایی است و از حکومت ایران صد سال عقب مانده تر است. ولی می بینید این کشور چه رابطه حسنه ای با آمریکا دارد. زیرا منافع آمریکا را تأمین می کند و نفت اش پشتوانه دلار است و بزرگ ترین خریدار سلاح از آمریکاست.

برایتان آرزوی موفقیت داریم. \*



# باتوفان همراه شوید

@TOTOUFAN

## پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: با سلام خدمت دست اندرکاران نشریه توفان در مورد دوره رژیم پهلوی و وابستگی و سرسپردگی خیلی اغراق سلطنت می شود دروغ‌هایی گفته می شود که با واقعیت نمی خواند و آن اینکه شاه تماما وابسته بود و سیاست‌های اقتصادی و نظامی و اجتماعی اش در کاخ سفید تعیین می شد و یا خیلی گرانی بود. آیا با چنین تحلیلی می توان مردم امروز را قانع کرد؟ من نه هوادار هستم و نه این رژیم، ولی باید انصاف را رعایت کرد. نشریه توفان تنها نشریه‌ای است که موضع ملی و مستقل دارد و مورد احترام بنده هست، ولی در مورد وابستگی رژیم شاه و اینکه او فقط یک عروسک دست‌نشانده بود و هیچ اراده‌ای از خودش نداشت، هضمش برایم مشکل است. آیا واقعا دلیل انقلاب ایران فقر اقتصادی در ایران بود؟ ممنون می شوم قدری در این مورد دقیق‌تر توضیح دهید. نسل جوان امروز طوری اندیشه می کند که فکر می کند وضع مردم در گذشته خوب بود؛ قیمت کالاها پایین بود. متأسفانه وضعیت مردم به قدری خراب است که از ناچاری دروغ‌های دیگران را قبول می کنند. باید با منطق و آرام به ابهامات مردم جواب داد. با سلام و تشکر. اصفهان

پاسخ: دوست عزیز، سیاس از نامه تان. تمام اسنادی که از طرف سازمان سیا در سال‌های اخیر منتشر شده است، همه دلالت بر تصمیم‌گیری آمریکا در امور داخلی اقتصادی و سیاست‌های منطقه‌ای و نظامی ایران دارد. ظاهر قضیه شاه مستقل بود و حرف‌هایی می زد، اما در خفا و در پوشش دیپلماتیک ایران نیم‌مستعمره آمریکا بود. ویران‌سازی کشاورزی ایران، که از «دکترین نیکسون» در آمریکای لاتین تجویز شده بود، در ایران

نیز پیاده شد و این ضربه بزرگی به اقتصاد و تولید کشاورزی بومی ایران بود. ایران به مصرف‌کننده بازارهای آمریکا و غرب تبدیل شد. امپریالیسم، یعنی همین، یعنی اجازه رشد مستقل به کشوری نمی‌دهد، اگر هم چنین رخ دهد، جز یک استثنا نیست. تمام کشورهای تحت سلطه، که تحت رهبری و کودتای آمریکایی و یا غربی بر مسند قدرت بوده و هنوز هم هستند، از رشد صنعتی‌شان بازمانده‌اند، زیرا فاقد استقلال‌اند و سیاست‌هایشان وابسته به امپریالیسم است.

در گذشته زمان پهلوی قیمت‌ها پایین به نسبت امروز بسیار پایین بوده ولی قدرت خرید مردم نیز بسیار پایین‌تر از آن بوده است. به طور مثال درآمد کارمند عادی ماهانه ۵۰۰ تا ۱۲۰۰ تومان بود (البته حقوق ۱۰۰۰ تومانی در سال‌های حدود ۱۳۴۸ برای افراد بسیار کمی بود) و قیمت پیکان در آن زمان حدود ۲۸۰۰۰ تومان بود، یعنی حقوق بیش از ۲۸ ماه یک کارمند. اگر از زبان آمار و ارقام نگاه کنیم، درآمد نفتی از سه میلیارد دلار در سال ۱۳۳۲ به ۵۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ رسید و درآمد سرانه ۱۱۵۱۴ دلار؛ با این وجود در جامعه ایرانی در بخش‌های فقیر جامعه، فقر هر روز بیش‌تر و شکاف طبقاتی عمیق‌تر می شد که این امر دلایلی دارد:

- ۱- عدم توزیع منصفانه باعث رشد اقتصادی یک طبقه خاص وابسته به حکومت می شد.
- ۲- عمده مقاطعه‌کاری‌های پُر سود، طرح‌های پُرمفعت دولتی برای مقامات حکومتی بود.
- بر اساس یک برآورد تنها در فاصله ۱۳۵۲-۱۳۵۵ حق کمیسیون مقام‌های دولتی از یک میلیارد دلار فراتر رفت. این نوع توزیع ثروت، بخشی از جامعه ایرانی، که شالوده حکومت شاه را تشکیل می‌دادند (اعضای دربار، ارتش، ساواک، و بلندپایگان دیوان‌سالاری) و مورد اعتماد شخص شاه بودند، تعلق می‌گرفت.
- ۳- حدود چهل درصد از بودجه کشور به ارتش اختصاص داده می شد که تعداد نیروها و پرسنل آن هر روز بیش‌تر و بیش‌تر می شد و در سال‌های آخر به ۴۱۳ هزار نفر رسیده بود. ارتش بودجه مخفی نیز داشت به اضافه ۴۰ درصد بودجه رسمی.

بطور کلی سه ویژگی:

- ۱- استبداد، فساد سیاسی و اداری و دخیل بودن ملاحظات سیاسی و رؤیاهای بلند پروازانه در برنامه‌های اقتصادی و عدم استقلال نهادهای اقتصادی و برنامه ریزی
- ۲- کنترل کامل بخش خصوصی از یک طرف و شیوع فساد

را نداشت. لذا، از سال ۱۹۷۶ کالاهای وارداتی در بنادر و انبارهای گمرک کشور انباشته شد و سرعت ترخیص و توزیع آنها کاهش یافت که متعاقباً موجب افزایش قیمت‌ها شد. به این ترتیب، از توانایی بخش واردات در تخفیف فشارهای تورمی کاسته شد و روند تورمی شدت بیشتری گرفت. دولت در مقابله با تشدید موج‌های تورمی، به جای تصحیح سیاست‌های خود، به دستگیری و مجازات «گران‌فروشان» پرداخت. این امر موجب تشدید ناآرامی‌های اجتماعی گردید و بازار را، که طی دهه گذشته تا حدودی از نیروهای مذهبی - سنتی جامعه فاصله گرفته بود، به دامان این نیروها سوق داد.

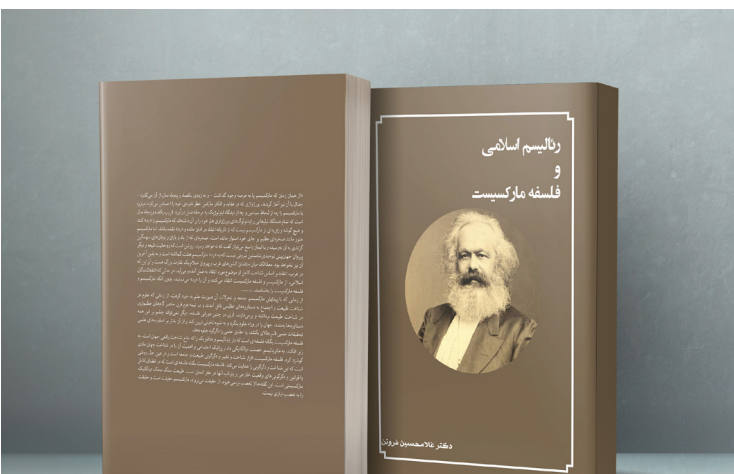
تورم، سرمایه‌گذاری‌های نادرست، افت کارایی، تخصیص نامطلوب منابع، پروژه‌های نمایشی و مصرف‌گرایی بی‌رویه موجب اتلاف انبوه منابع تولیدی گردید. از سوی دیگر، بخش متناهی از ثروت کشور از طریق افزایش بی‌رویه بودجه نظامی به هدر داده شد. طی ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۸ بودجه نظامی از ۱۳٪ تولید ناخالص ملی به ۲۰٪ افزایش یافت و سهم کالاهای نظامی در کل واردات کشور از مرز ۳۰٪ گذشت (در مقایسه با ۱۲٪ در سال ۱۹۷۲). به این ترتیب، کشوری که در سال ۱۹۷۴ دارای مازاد تراز پرداخت‌ها بود، در سال ۱۹۷۶ ناچار شد برای حل بحران مالی خود به صندوق بین‌المللی پول روی آورد. آیا همین فاکتورها می‌تواند دلیلی بر انقلاب مردم ایران باشد؟ به نظر ما آری. اینها همه در یک مجموعه از سیاست اقتصادی نواستعماری و استبدادی و سرمایه‌داری و وابستگی به خارج زمینه‌ساز انقلاب گردید و جز این نیز نیست. برایتان آرزوی موفقیت داریم. با ما در تماس باشید.

مالی و استفاده از اموال عمومی در جهت منافع شخصی  
۳- گسترش رانت اقتصادی در میان درباریان و اعطای مناصب اداری و پروژه‌ها و امتیازات اقتصادی، هرگونه مجالی را برای توسعه و نوآوری از بین می‌برد.

نرخ تورم از ۴٪ در سال ۱۹۷۲ به ۲۵٪ در سال ۱۹۷۷ افزایش یافت. فشار تورم در بخش‌هایی، که دولت می‌توانست کمبود تولید را با افزایش واردات جبران کند (مانند کالاهای صنعتی، مصرفی و کشاورزی)، نسبتاً کم‌تر بود. اما در بخش‌هایی که این امکان وجود نداشت، مانند ساختمان‌سازی و خدمات، نرخ تورم به مراتب بالاتر بود. این امر موجب کاهش نسبی نرخ سودآوری بخش‌های صنایع و کشاورزی، نسبت به نرخ سود در بخش‌های ساختمان و خدمات گردید. در نتیجه، سرمایه در جستجوی حداکثر سود از این بخش‌ها خارج و به سوی بخش‌های ساختمان‌سازی و خدمات جاری شد که موجب رکود بخش‌های صنایع و کشاورزی گردید و عملاً دست‌آوردهای اقتصادی دهه ۷۰ را تضعیف کرد. این عملکرد زیانبار در مورد بخش‌های کشاورزی و صنایع سنتی، از جمله صادرات غیرنفتی، بسیار شدید بود. زیرا این بخش‌ها دارای ساختار ضعیف‌تری بوده و از حمایت دولت، به ویژه حمایت‌های تعرفه‌ای برخوردار نبودند. بخش کشاورزی نه تنها تحت فشار شدید رقابت با کالاهای وارداتی ارزان قرار داشت، بلکه از سوی دیگر، دولت با تعیین سقف قیمت برای محصولات کشاورزی موجب تضعیف بیش‌تر سودآوری این بخش گردید.

در شرایطی که بودجه اقتصادی کشور چهار برابر شده بود و نرخ رشد تولید ناخالص ملی از مرز ۱۲٪ گذشته بود، نرخ بیکاری به ۱۰٪ (در سال ۱۹۷۶) افزایش یافت، ضریب نابرابری توزیع درآمد ۱۱٪ بالا رفت (از ۴۷،۰ در سال ۱۹۷۲ به ۵۲،۰ در سال ۱۹۷۶)، سهم ۲۰٪ ثروتمند جامعه در مصرف از ۵۲٪ در سال ۱۹۷۳ به ۵۷٪ در سال ۱۹۷۶ افزایش یافت، در حالیکه سهم ۴۰٪ فقیر جامعه از ۱۴٪ به ۱۱٪ کاهش یافت و نسبت مصرف مناطق شهری به روستایی، پس از احتساب تفاوت جمعیت، به پنج برابر در سال ۱۹۷۵ رسید.

در فاصله ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸ واردات کشور متجاوز از ۴۱۲٪ افزایش یافت که معادل نرخ رشدی برابر با ۴۶٪ در سال می‌باشد. ساختار اقتصادی کشور، به ویژه شبکه حمل و نقل، انبارها، سردخانه‌ها، و دستگاه اداری دولت، ظرفیت جذب، ترخیص و توزیع این افزایش سریع در حجم واردات



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروزی با ما تماس حاصل فرمائید





www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کلایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کلایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کلایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کلایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب

POSTBANK

bank code 20110022

bank account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

P.O. BOX\_1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Fax: 00496996580346